

بیانات در مراسم بیعت مسئولان نهضت سواد آموزی / ۱۳۴۸/۰۴/۰۸

ما امروز در مقابل قدرتهای جهانی، احساس کوچکترین ضعفی نمی‌کنیم؛ احساس قدرت ما بالاست. ما به قدرتهای جهانی می‌گوییم، اگر شما محبت ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی را می‌خواهید، باید شرایط ما را بپذیرید. اولین شرط این است که دست از زورگویی و گردن‌کلفتی و افزون‌طلبی خودتان بردارید. شرط دیگر این است که دفاع از تئوریست‌ها و مفسدان و بدکارانی را که علیه این انقلاب یا انقلابهای دیگر مشغول توطئه هستند، رها کنید. چرا قدرتهای بزرگ از قبیل آمریکا به خودشان حق می‌دهند که هرچا ملتی قیام کرد و انقلابی به راه انداخت و حکومتی مردمی تشکیل داد، فوراً در اداره آن کشورها اخلاص کنند و به مخالفان آن حکومتها، سلاح و تجهیزات و پول و رادیو دهند و به نفع آنها تبلیغات کنند و هزاران خیانت دیگر را مرتکب شوند، تا شاید بتوانند آن حکومتی را که مستقل است - هرچند به‌طور نسبی - از پا درآورند؟! آمریکا باید به خاطر حمایت خود از ضد انقلابیون و منافقان و قاتلان مردم توبه کند. مادامی که این توبه‌های سیاسی انجام نگیرد، دشمنی و خشم ملت ایران نسبت به ابرقدرتها - خصوصاً شیطان بزرگ آمریکا - به‌هیچ‌وجه کم نخواهد شد. ما احساس می‌کنیم بحمدالله از درون قوی هستیم. قوت ما، نه به خاطر تکیه به کسی یا به سیاستی یا به روشی از سیاستها و روشهای معمول دنیاست؛ بلکه به خاطر این است که با خدا رابطه داریم و می‌دانیم برای او کار می‌کنیم و کمک او شامل حال ماست.

بیانات در دیدار رئیس جمهور و هیات وزیران / ۱۳۷۵/۰۶/۰۸

واقعا در دوران جنگ، هنر بزرگ انقلاب این بود که بتواند کشور را همین‌طور حرکت دهد و راه ببرد. در دوران جنگ، هیچ فرصتی که قابل ذکر باشد، در مقیاس توقعات و نیازهای این کشور، برای ساخت زیربناها و تامین زیرساخت‌های یک توسعه حقیقی و یک رشد واقعی اقتصادی و مادی، به وجود نیامد. در طول این مدت چند سالی که ما بعد از جنگ می‌گذرانیم، خوشبختانه دولت موفق شده است در این زمینه، کارهای بزرگی را انجام دهد که حقیقتاً می‌توان این را امروز گفت که یک زیر ساخت مستحکم اقتصادی، در کشور به وجود آمده است.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۸۱/۰۹/۰۱

نظم از جمله موضوعاتی است که وقتی انسان در معنا و مفهوم و کارکرد آن در زندگی خود غور می‌کند، اهمیت آن را بیشتر درک می‌کند. نظم یعنی هر چیزی در جای خود قرار گیرد. جهان که در پیرامون ما انسانها و در زمین و آسمان گسترده شده است، یک مجموعه‌ی قانونمند است. قانون و نظم، بر جمیع جریانات و حوادث عالم و حرکات دنیای مورد احساس و دید و جهان پیرامون ما حاکم است. انسان هم یکی از اجزای همین عالم برخوردار از نظم است. زندگی طبیعی انسان هم دارای نظم است. گردش خون، ضربان قلب، دمیدن ریه‌ها و بقیه تحرکات و فعل و انفعالاتی که در بدن انسان و جسم آدمی وجود دارد، همه تابع نظم است. اگر عمل و رفتار انسان از نظم برخوردار باشد، هماهنگی میان او و دنیای پیرامونش تامین خواهد شد. نظم به انسان این فرصت را می‌دهد تا بتواند از هر چیزی به نحو شایسته‌ی آن استفاده کند و چیزی معطل نماند. اگر در جسم انسان بی‌نظمی پدید آید، با بیماری همراه است، یا نامش بیماری است. عیناً همین مطلب در رفتارهای انسان - چه در زندگی فردی و چه در رفتارهای اجتماعی - وجود دارد؛ بنابراین نظم دارای اهمیت است.

البته قلمرو نظم، وسیع است. از زندگی خصوصی انسان و درون اتافی که در آن زندگی یا کار می‌کند، نظم مطرح می‌شود - اتاق منظم، اتاق نامنظم - تا رفتارهای فردی او در محیط کار و درس و تحصیل و تا محیط اجتماعی و ساخت جامعه و بنای نظام اجتماعی؛ یعنی همان ساختی که از نظم ویژه‌ای که تابع فلسفه‌ی خاصی است، سرچشمه گرفته است. همه‌ی اینها مشمول «و نظم امرکم» است که امیرالمومنین علیه‌السلام در این قطعه از وصیت‌نامه‌اش آن را بیان فرمودند.

بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی / ۱۳۸۲/۰۲/۲۳

علاج کار در مقابل امریکای ماجراجو و متجاوز چیست؟ یک عده نسخه تسلیم را تجویز می‌کنند؛ این نسخه کارساز نیست. البته شما جوانان می‌دانید، هر کس هم که از هویت انسانی مستقل برخوردار باشد، می‌داند که نشان دادن نشانه‌های تسلیم در مقابل دشمن، به‌هیچ‌وجه کارساز نیست. نشانه‌های تسلیم و انقیاد و مرعوب شدن، دشمن را نیرومند می‌کند؛ به او روحیه می‌دهد و به او کمک می‌کند تا بتواند راه خود را در تجاوز ادامه دهد. بنابراین به‌هیچ‌وجه نباید تسلیم شد.

می‌شنوید بعضی کسان صحبت می‌کنند که فرصتها را از دست ندهیم. من نمی‌دانم مقصود آنها از فرصت چیست. فرصتی که در این موقعیت زمانی به هدر می‌رود، چه فرصتی است؟ فرصت تسلیم شدن در مقابل امریکاست؟ این فرصت است؟! برای ملت ما این فرصت است که در مقابل دشمنی که با صدای کلفت و با لحن قلدرمآبانه می‌خواهد سلطه خود را بر او تحمیل کند، تسلیم شود و از مقابل او عقب بنشیند؟! این فرصت است که کسی آن را از دست ندهد؟ یک وقت انسان خودش هست و خودش و مسوولیت خود را به‌عهده دارد؛ یا ایستادگی می‌کند و یا تسلیم می‌شود. اگر تسلیم شد، بدبختی و روسیاهی‌اش مال خودش خواهد بود و به جای دیگری ضرر نمی‌رساند؛ اما وقتی انسان مسوول یک بخش است - حتی در بخشهایی که از اهمیت زیادی هم برخوردار نیستند، اما کار، اقدام و حرکت فرد می‌تواند تاثیر داشته باشد - تسلیم شدن به معنای تسلیم کردن کشور و ملت است؛ به معنای مسلط کردن دشمن بر سرنویشت یک ملت است؛ مگر کسی حق این کار را دارد؟ من یک وقت به مناسبت دیگری گفتم: اگر آن روز که شاه سلطان حسین در مقابل افغانها با این بهانه که اگر تسلیم نشویم و دروازه اصفهان را در مقابل هجوم آنها باز نکنیم، ممکن است عده‌ای کشته شوند، بر مردان غیوری که در اصفهان آن روز بودند - چه انسانهای غیرتمند سپاهی و چه مردم عادی - تکیه می‌کرد و می‌گفت من در مقابل دشمن تسلیم نمی‌شوم، قطعاً عده کمتری از ملت ایران، از مردم اصفهان و از مردمی که در حمله افغانها از دست رفتند، کشته می‌شدند و ملت ایران آن ذلت و ننگ را هم تحمل نمی‌کرد. البته امروز شرایط، شرایط دیگر و دشمن هم دشمن دیگری است؛ اما اصل عدم تسلیم در مقابل زیاده‌خواهی دشمن و این‌که هرگونه تسلیم و نرمش، او را تشویق خواهد کرد، پابرجاست. این اصل، همیشگی است.

البته امریکاییها به‌دروغ شعارهای خود را عوض می‌کنند. حقیقت قضیه این است که آنها به دنبال سلطه بر کشورهای منطقه‌اند. مگر نمی‌بینید نقشه سیاسی خاورمیانه باید عوض شود؟ دبروز یکی از مسوولان سیاسی عرب - که سخنانش از تلویزیون هم پخش شد - گفت اینها می‌خواهند اتحادیه عرب را منحل کنند و اتحادیه دیگری به‌وجود آورند که رژیم صهیونیستی هم جزو آن باشد! یعنی عامل خودشان در منطقه، وسیله فشار دائمی بر دولتهای منطقه باشد! به کمتر از این قانع نیستند؛ دوست و دشمن هم نمی‌شناسند. امروز بعضی از کشورهای منطقه جزو دوستان سنتی آمریکا هستند. اگر به این حیوان درنده متجاوز - رژیم صهیونیستی - امکان داده شود و راهها در مقابلش باز شود، یقیناً نوبت آنها هم خواهد رسید؛ خودشان هم می‌دانند. حتی بعضی از کشورهای منطقه پیش ما هم اظهار ترس کرده‌اند! اینها از آینده مبهم خودشان می‌ترسند، چون به ملت‌هاشان متکی نیستند. پس نسخه تسلیم، نسخه درستی نیست.

علاج صحیح در مقابل تجاوز امریکا، مستحکم کردن ساخت داخلی نظام است. نظامی که حقیقتاً متکی به مردم است و مردم از آن دفاع می‌کنند، در درون خودش مستحکم است. رخنه‌های گوناگونی که به یک نظام صدمه می‌زند، بسته شده است و هیچ قدرتی نمی‌تواند این نظام را از بین ببرد. ما می‌توانیم ساخت داخلی را مستحکم کنیم؛ همان‌طور که امروز هم بحمدالله مستحکم است. امریکاییها این را می‌دانند؛ به‌طور کامل انسان می‌تواند این را در حرف‌هایشان بفهمد. آنها می‌دانند که وحدت این ملت، ارتباطش با اسلام، استحکام پیوند بین نظام و مردم با توجه به مبانی دینی و نقش ارزشهای دینی در این رابطه، به چه کیفیتی

است؛ می‌خواهند اینها را از بین ببرند. ما بنشینیم و تماشا کنیم که اینها بیایند یکی یکی این پیوندهای مستحکم را ببرند؟ یعنی در واقع سنگرهای ملت ایران و سنگرهای نظام اسلامی را یکی یکی از سر راه بردارند و بعد راحت حمله کنند. یکایک ملت ایران وظیفه دارند تا آنجایی که می‌توانند، استحکام درونی نظام را که به همبستگی ملت، همبستگی دلها، همبستگی ملت با مسوولان نظام و وحدت کلمه در مجموعه ارکان نظام وابسته است، حفظ کنند.

بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی / ۱۳۸۲/۰۲/۲۳

عزیزان من! عاملی که می‌تواند کشور شما را در مقابل هر افزون‌طلبی، هر انحصارطلبی، هر تجاوز، هر ماجراجویی و هر بحران‌سازی حفظ کند، استحکام ساخت داخلی نظام است. همین‌طور است ارتباط بین آحاد و قشرهای مردم با مسوولان نظام، امید جوانان به آینده و گرفته شدن رخنه‌هایی که بتدریج موجب تضعیف نظام می‌شود. همان‌طور که عرض کردم، این کارها با تلاش زیاد انجام می‌گیرد و شما باید در محیط دانشگاه، مساله علم و تحقیق را جدی بگیرید. این‌که دانشجوی عزیز در صحت خود به بودجه تحقیقات اشاره کردند و گفتند کم است و آن را به عنوان مطالبه و درخواست دانشجویان مطرح نمودند، مرا خوشحال می‌کند. در جلسه اساتید هم که بودیم، اتفاقاً همین را مطرح می‌کردند. این خیلی خوب است که جوان، دنبال تحقیق، کار علمی و پیشرفت علم باشد. بدون پیشرفت علم نمی‌شود کشور را پیش برد. امروز حتی دشمنان بشریت از علم استفاده می‌کنند. ما برای آرمانهای والا، ارزشهای حقیقی، فضایل انسانی و گسترش آنها ناگزیریم از علم و شرافت ذاتی علم استفاده کنیم. وحدت و ارتباط باید حفظ شود. کارهای اساسی‌ای که شروع کرده‌ایم، باید پیش برود.

بیانات در دیدار نمایندگان مجلس / ۱۳۸۲/۰۲/۰۷

امروز مسوولیت من و شما خیلی خطیر است. بایستی با عقل، تدبیر و همراه با توکل به خدا و شجاعت، نه با جبن، راه را طی کرد. اولین کار، استحکام داخلی است. نباید بگذارید این مباحثات و بگومگوها به مقابله و مواجهه و تخاصم تبدیل شود؛ این تنها توصیه من به شماست. گفتن و شنودن و اعتراض کردن، هیچ اشکالی ندارد. افرادی از اعتراض کردن بدشان می‌آید که یا متکبرند یا پشتوانه مردمی ندارند؛ می‌ترسند؛ دلشان می‌لرزد. اگر کسی اهل تکبر نباشد - که خدای متعال را شکر می‌کنیم که این آلودگی را در ما قرار نداده - و متکی به حمایت مردم باشد، به هیچ وجه از این گفتنها و شنیدنهارا ناراحت نمی‌شود؛ اما مراقب باشید که از این گفت و شنودها، دشمن همان چیز را که می‌خواهد وانمود کند، به دست نیآورد. امروز یکی از مهمترین شگردهای دشمن این است که بگوید در داخل نظام جمهوری اسلامی دو دستگی است و این دو دسته با هم بدند. دو صدایی و چند صدایی که شما می‌گویید و بنده هم معتقدم، نمی‌گویید. بحث چند صدایی نیست؛ چند صدایی همه‌جا هست. می‌گوید مخاصمه و دشمنی؛ یعنی فرض می‌کند یک گروه، گروه دیگر را می‌خواهد نابود کند! این گونه تصویر می‌کند. نگذارید این تصویر سازی مطلوب دشمن تحقق پیدا کند؛ این را مراقب باشید. بحث و مجادله و مباحثه و گفتگو را طلبی انجام دهید. امام هم مکرر به ما می‌فرمود. واقعیت هم همین است که در محیطهای طلبی، گاهی دو طلبه دعوا و جنجال می‌کنند؛ عصبانی می‌شوند، اما وقتی مباحثه تمام می‌شود، با یکدیگر ناهار و چایی می‌خورند و «لم یکن شیئا مذکوراً»! حرفهایشان را می‌زنند، اما بینشان دشمنی و شکاف ایجاد نمی‌شود. در بحث، منطق و استدلال باشد، چهارچوب هم چهارچوب قانون است. قانون هم در درجه اول، قانون اساسی است. این چهارچوب را رعایت کنید. بنده آن روز هم به جوانان دانشجویان گفتم که قانون آمده تا جای صدای کلفت را بگیرد؛ کسی با صدای کلفت در هر موضعی که هست، بگوید این‌طور باید بشود! خیال هم نکنید که استبداد و دیکتاتوری و صدای کلفت و افزون‌طلبی، مخصوص کسانی است که در راس نظامند؛ نخیر، در بدنه نظام هم چنین چیزهایی وجود دارد و همه جایش هم بد است. خوی پادشاهی، خوی استبداد در همه جا بد است؛ در هر جا زشت است؛ به هر شکلی که باشد، بد است. قانون آمده جلو این مسائل را بگیرد. بر طبق قانون و در چهارچوب آن باید حرف زده و عمل و رفتار شود و حل و فصل هم به وسیله قانون صورت گیرد. این بهترین معیار وحدت است؛ انگیزه‌های دیگر را کنار بگذارند. امروز روزی نیست که اگر از این وظیفه حفظ استحکام داخلی عدول کنیم و آن را پشت سر بیندازیم، خدای متعال و مردم و تاریخ بر ما ببخشایند؛ امروز روزی نیست که بشود این وظیفه را ندیده گرفت؛ باید هوشیار بود. نباید در نیروی دشمن مبالغه کرد و نباید هم دشمنی و کید او را نادیده گرفت؛ باید مراقب بود. امیرالمومنین فرمود: «والله لا اکون کالضبع تمام علی طول اللدم» (۱۰). معروف است بین عربها که کفتار را وقتی می‌خواهند صید کنند، پایکوبی می‌کنند و آهنگی می‌خوانند که خواب‌آور است. کفتار را با آهنگی در لانه‌اش می‌خوابانند و وقتی خوابید، به سراغش می‌روند. حضرت امیرالمومنین می‌فرماید: «والله لا اکون کالضبع» من آن کفتاری نیستم که مرا با پایکوبی آوازه خوانی بخوابانند و هر کار می‌خواهند، بکنند.

بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضایی / ۱۳۸۲/۰۲/۰۷

یک جمله درباره حادثه مهم هفتم تیر عرض کنیم و آن این است که شاید از همه ابعاد متعددی که این حادثه داشت، این بعد جالبتر باشد که این حادثه نشان داد ضربه‌های سهمگینی از این قبیل هم حتی نمی‌تواند به استحکام بنای جمهوری اسلامی که به ایمان و حضور مردم تکیه کرده است، خللی وارد کند. این حادثه، حادثه کوچکی نبود. چنین حادثه‌ای در هر نقطه دنیا که اتفاق بیفتد برای فرو ریختن یک نظام کافی است. این همه اشخاص موثر، مهم، خوشفکر و مبارز، به دست جنایتکار تروریست‌ها در یک لحظه از بین بروند و نظام آن را تحمل کند و از آن وسیله‌ای برای استحکام هرچه بیشتر خود به‌وجود آورد! این چیز شگفت‌آوری بود؛ این به برکت حضور و ایمان مردم و به برکت استحکام ساخت درونی نظام اسلامی بود و به فضل پروردگار، همیشه همین‌طور خواهد بود.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۸۲/۰۵/۱۵

هرجا جمهوری اسلامی حرکتی را که به سازندگی و آبادانی کشور کمک می‌کند، شروع کرد، اینها اگر توانستند، جلو آن را گرفتند؛ البته خیلی اوقات هم به فضل پروردگار نتوانستند. در جنگ، ما بسیاری از تسلیحات و خیلی چیزهای دیگر را علی‌رغم میل اینها به‌دست می‌آوردیم؛ اما تا آنجایی که نتوانستند، عامل کارشنکی و خرابکاری شدند؛ از خط لوله گاز گرفته تا بقیه کارهای فراوانی که انجام شده است. مثلاً در زمان دولت قبلی، ژاپنیا قرارداد پروژه احداث سد بر روی کارون را بسته بودند؛ اما اینها رفتند خرابش کردند. بعضیها به آنها اعتنا کردند، بعضیها هم اعتنایی نکردند و کارهایشان را ادامه دادند. ما پیش رفته‌ایم و کار خودمان را کرده‌ایم؛ اما آنها از دشمنی و عناد هیچ کم نگذاشته‌اند و البته ادامه هم خواهد داشت تا هنگامی که مایوس شوند. نه فقط برای برنامه‌های چهارم و پنجم، بلکه در چشم‌اندازهای کلی برای هر تحرک سیاسی و اقتصادی در کشور، این نقطه حتما مورد نظر باشد. باید به جایی برسیم که دشمن احساس کند نمی‌تواند؛ باید مایوس شود. آن‌گاه دشمنیها به پایان خواهد رسید و یا کم خواهد شد. تا وقتی دشمن امیدوار باشد که می‌تواند نظام اسلامی را ریشه‌کن کند، تلاش خواهد کرد و ضربه وارد خواهد آورد. همه همت ما باید این باشد که آن‌چنان ساخت را مستحکم کنیم که دشمن احساس کند هر تیغی وارد بیاورد، تیغش کند و به ضرر خودش تمام خواهد شد و هر گلوله‌ای بزند، به طرف خودش کمانه خواهد کرد.

البته از وقتی جنگ سالاران و نومحافظه‌کاران کنونی حکومت آمریکا - که واقعا اینها یک گروه جنگ‌سالاران و محور کارشان بر جنگ و تهاجم نظامی است - سر کار آمده‌اند، تهدیدها لحن و زبان دیگری گرفته است. ما در مقابل این چالش چه باید بکنیم؟ ما باید قدرت خود را زیاد کنیم و دفاع قانونی و مشروع خود را انجام دهیم. منطق این را حکم می‌کند و همه شواهد و قرائن و دلایل سیاسی و دیپلماسی هم همین را تأیید می‌نمایند. البته استحکام داخلی به معنایی نیست که آنها خیال می‌کنند - یعنی رسیدن به فلان سلاح - و همان‌طور که آقای رئیس‌جمهور اشاره کردند، سلاح هسته‌ای کاری از پیش نمی‌برد. بعلاوه، ما اصلاً، منطقاً و مبنائاً با سلاحهای کشتار جمعی به این شکل موافق نیستیم. در زمان جنگ هم ما سلاحهای میکربی و شیمیایی را ممنوع دانستیم؛ همان وقت هم دولت ما این را اعلام کرد. پس استحکام داخلی به معنای دیگری است که بعد اشاره‌ای خواهم کرد. بنابراین ما باید قدرت خود را زیاد کنیم، والا هر گونه عقب‌نشینی در مقابل قدرت متکبر و زورگو، یکطرفه و تشویق به تعرض و تجاوز بیشتر خواهد بود؛ این را ما در طول چند سال در صحنه‌های گوناگون تجربه هم کرده‌ایم. هرجا عقب‌نشینی‌ای

مشاهده کرده‌اند، يك قدم جلو آمده‌اند؛ ممنون نشده‌اند که بگویند بالاخره اینها يك امتیاز دادند، ما هم يك امتیاز بدهیم. در مقابله و مواجهه قدرت، این حرفها معنا ندارد. قدرتهای مادی، این مطالب سرشان نمی‌شود. وقتی دیدند طرف يك قدم عقب رفت یا مرعوب شد، احساس می‌کنند پس باید فشار را بیشتر کرد.

تنها چیزی که می‌تواند کشور ایران و نظام اسلامی را حفظ کند، استحکام داخلی و عزم جزم بر دفاع مشروع و منطقی است. در بیست‌وپنج سال گذشته هم همین کار بدون تکیه بر دیگران صورت گرفته است. بعضی خیال می‌کنند اگر ما بخواهیم به آمریکا «نه» بگوییم، باید به اروپا تکیه کنیم. مگر ما وقتی در دوره جنگ، با آمریکا مقابل بودیم، به شوروی - که با آمریکا دشمن و مخالف هم بود - تکیه کردیم؟ دشمنی شوروی سابق در دوره جنگ، کمتر از آمریکا در صحنه عمل نبود. اگر من و شما به شرایط استحکام داخلی عمل کنیم - ملت که عمل می‌کند - دشمن نمی‌تواند ضربه بزند.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان زنجان / ۱۳۸۲/۰۷/۲۲

من طرفدار حرکت‌های مومنانه و متدینانه و طرفدار جوانی هستم که با انگیزه دینی در میدان سیاست، علم و اقتصاد وارد می‌شود. جوانی که شعارش ارزشهای دینی است، برای من مثل يك موجود مقدس و محبوب است. البته من همه جوانان را دوست دارم؛ اما جوانانی که ارزشهای دینی برای آنها مهم است، در چشم من خیلی عزیزند. عده‌ای با تظاهر کردن به پایبندی به ارزشهای دینی، بی‌نظمی ایجاد می‌کنند که من با این کار موافق نیستم. یکی از چیزهایی که من از دانشگاه‌های زنجان خوشم آمد، این است که گفتند در این دانشگاهها تشکلهای گوناگون دانشجویی با هم با بی‌ادبی و هتاک و بدگویی و دست به یقه شدن رفتار نمی‌کنند. این رویه خیلی خوبی است و توصیه می‌کنم همین‌طور باشید. هر کدام از تشکلهای کار خود را انجام دهند؛ اما با هم دوست باشند و به هم اهانت نکنند. البته چالش علمی و فکری برای پیش رفتن و رشد پیدا کردن، خوب است. مجموعه‌ای که دارای فکر سیاسی و اجتماعی است، افراد آن در گوشه‌های جمع شوند و بنا کنند به استدلال کردن و حرف زدن. وقتی کارشان تمام شد، مجموعه دیگری که حرف اینها را قبول ندارد، در گوشه دیگری جمع شود و افرادش بنا کنند به استدلال کردن و حرف زدن:

دلایل قوی باید و معنوی

نه رگهای گردن به حجت قوی

اگر این‌طور باشد، خیلی خوب است و من این را دوست دارم؛ اما دست زدن به بی‌نظمی در مقابل دشمن - کما این‌که متأسفانه چند ماه قبل در تهران و البته خوشبختانه در ابعاد کوچکی شاهد آن بودیم - مضر است.

آنچه برای ما مهم است، استحکام ساخت داخلی است، که این مطلب را چند ماه قبل به دانشجویان گفتم و الان هم به شما می‌گویم تا همه بدانند که وقتی ملتی ساخت داخلی‌اش مستحکم است، اختلاف سلیقه، افرادش را به دشمنان یکدیگر تبدیل نمی‌کند. این ملت برای مسوولان و محورهای اداره کشورش اهمیت و احترام قائل است؛ چون این موضوع تعیین کننده است. وقتی دل‌های این ملت با ایمان عمیق - مثل ایمان شما - همراه شد، هیچ قدرتی نمی‌تواند آن را شکست دهد و وادار به عقب‌نشینی کند. ما با این پشتوانه می‌توانیم با همه چالشهای بین‌المللی مقابله کنیم و پیش برویم.

بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش / ۱۳۸۲/۱۱/۱۹

امروز کشور شما چون می‌خواهد آزاد و مستقل و متکی به خویش باشد، مورد تهاجم است؛ هیچ مساله دیگری در ایران نیست. چه کسی امروز نمی‌داند که مساله حقوق بشر و آزادی و دموکراسی و دیگر حرفهایی که از دهان بلندگوهای بیگانه خارج می‌شود، حرفهای پوچ و بهانه‌های واهی بیش نیست؟ این را همه می‌دانند. امروز کیست که حمایت آمریکا و بقیه مستکبران دنیا را از رژیم‌های صد‌صد دیکتاتور نداند؟ کیست که نداند در این کشور پنجاه سال يك رژیم دیکتاتوری سیاه و ابسته - پهلوی اول و پهلوی دوم - حکومت کرد و مورد حمایت قدرتها و گاهی همین شخصیت‌های فعلی بود؟ اینها را همه می‌دانند. معلوم است که این واقعیات نشان‌دهنده خیلی چیزهاست. مخالفت اینها با جمهوری اسلامی فقط به يك دلیل است: این ملت خواسته و عزم کرده و توانسته است مستقل بماند و خود را دست اینها نهد و به اینها نفروشد. امروز مساله این است.

ما خواسته‌ایم و به حول و قوه الهی توانسته‌ایم. بیست و پنج سال برای فشارهای بین‌المللی زمان کوتاهی نیست؛ اما نظام جمهوری اسلامی با ساخت مستحکم مردمی خود - که ملات این ساخت هم ایمان و آمادگی برای مجاهدت بود - توانسته است تا امروز نه فقط در مقابل فشارها مقاومت کند، بلکه روزه‌روز خود را مستحکم‌تر نماید؛ بعد از این هم همین خواهد بود. ما خود را قوی کرده‌ایم. تا آن روزی این فشارها ادامه پیدا خواهد کرد که دشمنان مایوس شوند. یاس آنها به چیست؟ به این است که احساس کنند روند تحرك و تقویت خویشتن در جمهوری اسلامی توقف‌پذیر نیست. بخشی از این کار بزرگ به عهده شماست، بخشی به عهده دانشمندان غیرنظامی است، بخشی به عهده دانشگاه‌هاست، بخشی به عهده سیاستمداران است؛ آنها هم می‌توانند در ایجاد این باور که فشارها را دور یا کم خواهد کرد، نقش ایفا کنند. به هر حال نقش عمده‌ای به عهده شماست. باید بسازید، نگه دارید، افزایش دهید، نوآوری کنید، سازماندهی را تقویت نمایید و در کنار ساختن ابزارهای کارآمد، انسانهای ماهر بسازید.

بیانات در دیدار جمعی از مسئولان جهاد دانشگاهی / ۱۳۸۲/۰۴/۰۱

کشورهای تحت سلطه هرگز يك اقتصاد درست و حسابی نداشته‌اند. گاهی يك رونق ظاهری داشته‌اند، که می‌بینید در بعضی از کشورهای تحت سلطه رونق ظاهری دارند؛ اما ساخت اقتصادی خراب است؛ یعنی اگر يك شیر را رویشان ببندند؛ يك حساب را مسدود کنند، یا تصرف اقتصادی کنند، همه چیز فرو خواهد ریخت و نابود خواهند شد. شما دیدید که يك سرمایه‌دار توانست چند کشور آسیای جنوب شرقی را در مدت دو سه ماه به ورشکستگی برساند؛ آن هم دو سه کشوری که توسعه‌ی نسبتاً خوب و رونق اقتصادی داشتند. رئیس یکی از همین کشورها در همان روزها به‌مناسبتی به تهران آمده بود و با بنده ملاقات کرد و گفت همین قدر به شما بگویم که ما در يك شب بکلی فقیر شدیم! يك سرمایه‌دار آمریکایی، یهودی مثل نخی که به‌یکبار می‌کشند و يك بنا؛ بناک عروسکی، روی هم می‌ریزد، عمل کرد و يك نخ را کشید و همه چیز را به هم ریخت. آمریکاییها آن‌جایی که لازم داشتند، پنجاه، شصت میلیارد تزریق کردند - پنجاه میلیارد به یکی، سی میلیارد به یکی دیگر - اما آن‌جایی که لازم نداشته باشند، تزریق نمی‌کنند و آن کشور را به خاک سیاه می‌نشانند. البته تزریق کردن یعنی این‌که دوباره همان ساخت عروسکی را به شکل دیگری برپا کنند. به‌هرحال، نمی‌گذارند اقتصاد این کشورها استحکام پیدا کند.

بیانات در دیدار نمایندگان مجلس / ۱۳۸۲/۰۳/۰۸

سعی شود قوانینی که در مجلس می‌گذرد، مستحکم و باثبات باشد. بحمدالله سیاست‌های اصل ۴۴ با ملاحظه‌ی جوانب و رعایت آن میانی و اصول، به سه قوه ابلاغ شد؛ این احتیاج دارد به قوانین. شما، هم در کمیسیون‌های اختصاصی و هم بخصوص در مرکز پژوهش‌ها حقیقتاً می‌توانید بر این پایه، طراح نظام اقتصادی باثباتی باشید که قوانین خودش را هم با خود داشته باشد؛ بعضی از قوانین حذف شود و بعضی از قوانین بیاید؛ منتها با يك ساخت مستحکم و پایدار که هر روز

نخواهیم قوانین را وصله‌پینه کنیم. یکی از اشکالات بزرگ این است که قوانین طوری با بی‌دقتی یا عدم مراجعه لازم به مواردی که باید مراجعه کرد، تنظیم شود که اندکی نگذشته، احتیاج به تجدیدنظر پیدا کند و یک مقدار وقت مجلس به تصویب مجدد قانون بگذرد. گفت: یک روز صرف بستن دل شد به این و آن روز دگر به کندن دل زین و آن گذشت یک روز قانون را درست کنیم، یک روز قانون را رد کنیم و یا تغییر کلی بدهیم؛ این‌طوری نباشد؛ قوانین با ثبات و مستحکم باشد.

بیانات در دیدار مردم شاهرود / ۱۳۸۵/۰۸/۲۰

من به شما عرض بکنم در طول این بیست‌وهفت سالی که از پیروزی انقلاب می‌گذرد - که یک روز از این بیست‌وهفت سال هم بدون توطئه دشمن نبوده است - دشمن در مقابله با ملت ایران و انقلاب اسلامی و این حرکت عظیم، تا امروز پی‌درپی احساس ناکامی کرده است. هیچ وقت دشمن موفق و پیروز نشد. گاهی یک امیدهای واهی‌ای پیدا می‌کردند و یک علامت غلطی از یک طرف به آنها داده می‌شد، آن وقت تصور می‌کردند که توانسته‌اند توطئه‌های خود را در این کشور به جایی برسانند. اما بلافاصله معلوم می‌شد اشتباه کرده‌اند. بنابراین دشمن موفق نشده است. امروز برنامه‌های مسئولان کشور برای ساختن و بنای آینده در بخشهای مختلف، برنامه‌های حساب‌شده و روشنی است. مسئولان هم، مسئولانی هستند که با تصمیم قاطع و با اعتماد به نفس کامل، در جهت رسیدن به این هدفها دارند حرکت می‌کنند.

بیانات در دیدار خانواده‌ی شهدای هفتم تیر و مسئولان قوه قضائیه / ۱۳۸۶/۰۲/۰۷

در همه جا نقش قوه‌ی قضائیه این است که با متخلف، برابر قانون برخورد کند. کسی که تخلف کرد، بر حسب قانون، متخلف سر جای خود نشانده شود، که اینها همه در ساخت نظام اسلامی و در زندگی صحیح و در رسیدن به اهداف جمهوری اسلامی نقشهای بسیار مهمی دارند.

دیدار اعضای مجلس خبرگان با رهبر انقلاب / ۱۳۸۶/۱۲/۰۷

حضور هوشمندانه مردم در صحنه و وحدت‌نظر مسئولان، در هر موضوعی همواره موجب استحکام نظام اسلامی خواهد شد.

بیانات در مراسم نظامی مشترک یگان‌های نیروهای مسلح استان فارس / ۱۳۸۷/۰۲/۱۲

ما امروز با اقتدار ملت ایران در عرصه‌های جهانی اثبات کردیم که ملت ایران و ایران اسلامی هیچ تهدیدی برای کشورهای همسایه و دیگران نیست. به ما تهاجم شد، ما قدرتمندانه دفاع کردیم، اما هرگز فکر تجاوز، فکر حمله، فکر اشغال در ذهن ملت ایران و مسئولان کشور خطور نکرده است، لکن نیروهای مسلح باید نیرومند باشند. دنیا، دنیای تجاوزگری است؛ دنیای محکوم سیاست سلطه است. انگیزه‌ی سلطه‌طلبی در سلطه‌گران عالم، در نظامهای مستکبر، به همه‌ی ملتها هشدار میدهد که ساخت درونی خود و آمادگی‌های لازم را برای تقویت این ساخت به وجود بیاورند و تقویت کنند. بهانه‌های کوچک برای ابرقدرتها، آن‌جائی که بتوانند و جرات بکنند، راه را به سوی تجاوزهای بزرگ هموار میکند.

بیانات در دیدار بسیجیان استان فارس / ۱۳۸۷/۰۲/۱۲

بارها این را گفته‌ایم: نظام جمهوری اسلامی با اعلام آرمان عدالتخواهی در سطح بین‌الملل، قهرا دشمنانی برای خود تدارک دیده. همه‌ی کسانی که در سطح تعاملات جهانی معتقد به سلطه و زورگویی و تجاوزند، با شعار عدالت‌طلبی از سوی نظام جمهوری اسلامی معارضند، مخالفند، عصبانی‌اند؛ همچنانی که با شعار استقلال ملی، دشمنانی در مقابل ما صف‌آرایی میکنند. همه‌ی انحصار طلبان، همه‌ی جهان‌نخواران، همه‌ی آنهایی که دستشان بناحق و ناروا در سفره‌ی منابع مادی این کشور دراز بوده و چپاول میکردند، وقتی که این کشور و این ملت اعلام استقلال و نفوذ ایادی بیگانگان را قطع میکند، طبیعتاً صف‌آرایی میکنند. نباید تصور کرد دشمنی دشمنان به خاطر این است که فلان موضعگیری را دولت جمهوری اسلامی یا فلان مسئول کشور انجام داده. مسئله، مسئله‌ی اصل نظام و ساخت نظام است؛ مسئله، مسئله‌ی شعارهای اصولی نظام و امام است.

پیام به کنگره عظیم حج / ۱۳۸۷/۰۹/۱۷

سرزمین وحی، بار دیگر انبوه مومنان را در ضیافت سالانه‌ی خود گرد آورده است. جانهای مشتاق از سراسر جهان اکنون در زادگاه اسلام و قرآن، به مناسکی سرگرم‌اند که تدبیر در آن، نمائی از درس جاودانه‌ی اسلام و قرآن به بشریت را نشان میدهد و خود، گامهای نمادین برای پیاده کردن و به کار بستن آن است. هدف از این درس بزرگ، رستگاری و سرفرازی ابدی انسان، و راه آن تربیت انسان صالح و تشکیل جامعه‌ی صالح است، انسانی که در دل و در عمل، خدای یگانه را بپرستد و خویشتن را از شرک و آلودگیهای اخلاقی و هوسهای انحرافی پاک کند؛ و جامعه‌ی که در ساخت آن، عدالت و آزادگی و ایمان و نشاط و همه‌ی نشانه‌های زندگی و پیشرفت به کار رود.

در فریضه‌ی حج، عناصر اصلی برای این تربیت فردی و اجتماعی گنج‌انیده شده است. از لحظه احرام و بیرون آمدن از تشخصات فردی و ترک بسیاری از لذتها و خواهشهای نفسانی، تا طواف بر گرد نماد توحید، و نماز در جایگاه ابراهیم بت‌شکن و فداکار، و از حرکت شتابان میان دو کوه، تا آرام گرفتن در عرصه‌ی عرفات در میان خیل عظیم موحدان از هر رنگ و نژاد، و تا گذراندن شبی با ذکر و نیاز در مشعرالحرام و انس جداگانه‌ی هر دل با خدا در عین حضور در میان آن جمع متراکم، و سپس حضور در منی و سنگباران نمادهای شیطانی، و آنگاه تجسم پر معنای قربانی کردن، و اطعام مستمندان و رهگذران، همه و همه آموزش و تمرین و یادآوری است.

دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت / ۱۳۸۷/۰۹/۲۲

شما وضعیت امروز آمریکا را در خاورمیانه نگاه کنید، پانزده سال قبل او را هم نگاه کنید و ببینید وضع آمریکا در خاورمیانه چه جوری است؛ روزه‌روز منفورتر، روزه‌روز ذلیل‌تر، ناکام‌تر؛ در مسئله‌ی فلسطین، یک جور؛ در مسئله‌ی لبنان، یک جور؛ در قضایای عراق و افغانستان، یک جور. آمریکا در طرحهای خودش در خاورمیانه - که عمدتاً هم آماج هدف این طرحها جمهوری اسلامی بود؛ بیش از آنچه که آن کشورها باشند - ناکام مانده؛ ضربه خورده. و جمهوری اسلامی توانست بایستد و مقاومت کند. خوب، البته توطئه‌ها زیاد بوده؛ دهه‌ی اول انقلاب یک جور، و دهه‌ی دوم و سوم انقلاب توطئه‌های گوناگونی بود - تفصیلاتش را نمیرسم عرض کنم؛ وقت می‌گذرد - اما نکته‌ی اصلی که هم دانشجویها، هم دانشگاهیان عزیز، هم همه‌ی آحاد ملت، بخصوص نخبان و هوشمندان باید به او توجه کنند، این است که نظام جمهوری اسلامی این «توانائی» و این «اقتدار ذاتی» را دارد؛ همچنانی که تا امروز در طول این سی سال توانسته ایستادگی کند. آنها همه‌ی همتهشان این بود که جمهوری اسلامی را نابود کنند و از بین ببرند؛ اما نه فقط نابود نشد، بلکه روزه‌روز در بخشهای مختلف قوی‌تر شد.

این «توانائی ماندن»، این «اقتدار»، این «طرفیت بقا» بایستی حفظ شود. اینجور نیست که ما هر جور عمل کنیم - ولو بی‌تفاوت، ولو با عدم توجه به وظائف حساس و مهم - باز هم همین طرفیت مقاومت باقی بماند؛ نه، بایستی نظام جمهوری اسلامی را به معنای حقیقی کلمه‌اش حفظ کرد، تا بتوان از منافع این ملت، از منافع این کشور، این ملت را بهره‌مند کرد؛ تا بتوان این ملت را به اوج ترقی و آرزوها و آرمانهای خودش رساند.

آنچه مهم است این است که نظام جمهوری اسلامی یک ساخت حقوقی و رسمی دارد که آن قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی، دولت اسلامی، انتخابات - همین چیزهایی که مشاهده میکنید - است، که البته حفظ اینها لازم و واجب است؛ اما کافی نیست.

همیشه در دل ساخت حقیقی، یک ساخت حقیقی، یک هویت حقیقی و واقعی وجود دارد؛ او را باید حفظ کرد. این ساختحقوقی در حکم جسم است؛ در حکم قالب است، آن هویت حقیقی در حکم روح است؛ در حکم معنا و مضمون است. اگر آن معنا و مضمون تغییر پیدا کند، ولو این ساخت ظاهری و حقوقی هم باقی بماند، نه فایده‌ای خواهد داشت، نه دوامی خواهد داشت؛ مثل دندان‌کی که از داخل پوک شده، ظاهرش سالم است؛ با اولین برخورد با یک جسم سخت در هم میشکند. آن ساخت حقیقی و واقعی و درونی، مهم است؛ او در حکم روح این جسم است. آن ساخت درونی چیست؟ همان آرمانهای جمهوری اسلامی است: عدالت، کرامت انسان، حفظ ارزشها، سعی برای ایجاد برادری و برابری، اخلاق، ایستادگی در مقابل نفوذ دشمن؛ اینها آن اجزا ساخت حقیقی و باطنی و درونی نظام جمهوری اسلامی است. اگر ما از اخلاق اسلامی دور شدیم، اگر عدالت را فراموش کردیم، شعار عدالت را به انزوا انداختیم، اگر مردمی بودن مسئولان کشور را دست‌کم گرفتیم، اگر مسئولین کشور هم مثل خیلی از مسئولین کشورهای دیگر به مسئولیت به عنوان یک وسیله و یک مرکز ثروت و قدرت نگاه کنند، اگر مسئله خدمت و فداکاری برای مردم از ذهنیت و عمل مسئولین کشور حذف شود، اگر مردمی بودن، ساده‌زیستی، خود را در سطح توده‌ی مردم قرار دادن، از ذهنیت مسئولین کنار برود و حذف شود؛ پاک شود، اگر ایستادگی در مقابل تجاوزطلبی‌های دشمن فراموش شود، اگر رودریابستی‌ها، ضعفهای شخصی، ضعفهای شخصیتی بر روابط سیاسی و بین‌المللی مسئولین کشور حاکم شود، اگر این مغزهای حقیقی و این بخشهای اصلی هویت واقعی جمهوری اسلامی از دست برود و ضعیف شود، ساخت ظاهری جمهوری اسلامی خیلی کمکی نمیکند؛ خیلی اثری نمیبخشد و پسوند «اسلامی» بعد از مجلس شورا؛ مجلس شورای اسلامی؛ دولت جمهوری اسلامی، به تنهایی کاری صورت نمیدهد. اصل قضیه این است که مراقب باشیم آن روح، آن سیرت از دست نرود، فراموش نشود؛ دلمان خوش نباشد به حفظ صورت و قالب. به روح، معنا و سیرت توجه داشته باشید. این، اساس قضیه است.

و من به شما عرض بکنم که تغییر سیرت، تغییر آن هویت واقعی، بتدریج و خیلی آرام حاصل میشود. توجه بعضی‌ها به این، غالباً جلب نمیشود، یا خیلی‌ها توجهشان جلب نمیشود. یک وقتی ممکن است همه متوجه شوند، که کار از کار گذشته باشد. خیلی باید دقت کرد. چشم بینای طبقه‌ی روشن‌بین و روشنفکر جامعه - یعنی طبقه‌ی دانشگاهی - و چشم بینای دانشجویان باید این مسئولیت را همیشه برای خودش قائل باشد.

بیانات در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج / ۱۳۸۸/۰۲/۲۲

برادران و خواهران عزیز! اسلام برای ساخت یک جامعه‌ی سرافراز و پویا خصوصیات را ترسیم کرده و راه رسیدن به آنها را برای ملت مسلمان و امت اسلامی در طول تاریخ تبیین کرده است. یکی از این نشانه‌ها و خصوصیات عزت ملی است؛ عزت. همچنانی که یک فرد مایل است دلیل نباشد و عزیز باشد، از آرزوهای بزرگ یک ملت هم این است که عزیز باشد و دلیل نباشد. عزت ملی چیست؟ عزت ملی عبارت است از اینکه یک ملت در خود و از خود احساس حقارت نکند. نقطه‌ی مقابل احساس عزت، احساس حقارت است؛ یک ملت وقتی به درون خود - به سرمایه‌های خود، به تاریخ خود، به مورث تاریخی خود، به موجودی انسانی و فکری خود - نگاه میکند، احساس عزت و غرور کند، احساس حقارت و ذلت نکند. این یکی از چیزهایی است که برای یک ملت لازم است. قرآن در موارد متعددی به این معنا اشاره کرده: «يقولون لئن رجعنا الى المدينة ليخرجن الاعز منها الاذل و لله العزة و لرسوله و للمؤمنين و لكن المنافقين لا يعلمون» (۲) منافقان با خودشان گفتگو میکردند که ما عزیزیم و مسلمانان را - که ذلیلند - از مدینه خارج خواهیم کرد! خداوند به پیغمبر وحی فرستاد که اینها اینچنین میگویند، لیکن نمیفهمند و نمیدانند؛ آنکه عزیز است مومنانند؛ عزت از آن خداست و از آن پیامبر خدا و از آن مومنان بالله. این یک تابلو درخشانی است که همیشه جلوی چشم امت اسلامی باید قرار داشته باشد؛ «عزت ملی». اگر یک ملتی احساس عزت نکند، یعنی به داشته‌های خود - به آداب خود، به سنن خود، به زبان خود، به الفبای خود، به تاریخ خود، به مفاخر خود و به بزرگان خود - به چشم حقارت نگاه کند، آنها را کوچک بشمارد و احساس کند از خودش چیزی ندارد، این ملت براحتی در چنبره‌ی سلطه‌ی بیگانگان قرار میگیرد.

بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت / ۱۳۸۸/۰۶/۱۸

توصیه‌هایی که داریم، من کوتاه عرض میکنم. یک توصیه همین مسئله‌ی توکل و توجه به خدای متعال است. برای اینکه باطن خودتان و دل خودتان را بتوانید مستحکم و قوی نگه دارید. این شرط اول است. واقعا اگر ما در درون خودمان، ساختدرونی محکم باشد، هیچ مشکل بیرونی نخواهد توانست بر ما فائق بیاید. باید دل را، باطن را آنچنان محکم کرد که بر همه‌ی کاستی‌ها و کمبودهای ظاهری و جسمانی و محیطی فائق بیاید. این هم با توکل به خدای متعال و با توجه به خدای متعال حاصل خواهد شد، بدانید. من در زمینه‌ی توکل به خدا و امید به آینده دو تا نکته را عرض بکنم: یکی اینکه بدانید سر راه، مشکلات خیلی زیاد خواهد بود، توطئه‌ها خیلی زیاد خواهد بود؛ علیه شماها، علیه این دولت و در باطن علیه این نظام. خیلی فکرها هست، خیلی تلاشها و توطئه‌ها هست و آماده باشید برای مواجهه با انواع و اقسام بدخواهی‌ها و بددلی‌ها و بدبینی‌ها که اثرش هم در بیرون بروز خواهد کرد. این نکته‌ی اول.

بیانات در دیدار قاریان، حافظان و اساتید قرآنی / ۱۳۹۰/۰۵/۱۱

وقتی حفظ باشد و این انس با تفسیر هم باشد و تدبیر باشد، همان چیزی که انتظارش در جامعه‌ی ما هست، پیش می‌آید؛ شکوفایی قرآنی. شما تصور کنید در کشور ما ده میلیون، پانزده میلیون کسانی باشند از مردان و زنان که اینها با معارف قرآن آشنا باشند، ببینید این چقدر با ارزش است. آموزشهای قرآنی را، درسهای قرآنی را، نصایح قرآنی را، اندازهای قرآنی را، بشارتهای قرآنی را در ذهن داشته باشند، آنها را مرور کنند، آنها را بر دل خودشان فرا بخوانند؛ اصلا یک ملت پولادینی به وجود می‌آید. خوشبختانه زمینه‌هایش فراهم است. امروز هم عزم و اراده‌ی ملت ما عزم پولادینی است. اما آن ساخت قرآنی جامعه در آن صورت به دست خواهد آمد، که ما امیدواریم ان‌شاءالله این پیش بیاید.

بیانات در دیدار فعالان بخش‌های اقتصادی کشور / ۱۳۹۰/۰۵/۲۶

ما در سند چشم‌انداز - که یک سند اساسی بالادستی مهم و مرجع است - برای کشورمان رتبه‌ی اول را در بخشهای مهم و حیاتی و اساسی پیش‌بینی کردیم؛ باید به این رتبه برسیم. خوب، دیگران طبعاً نمی‌ایستند تا ما برویم اول بشویم؛ دیگران هم دارند کار میکنند، تلاش میکنند. ما شاهد تلاش و تحرك شدید اقتصادی برخی از کشورهای هستیم که در همین حوزه‌ی اول شدن ما واقع هستند. البته ما از بعضی از ابزارهایی که آنها استفاده میکنند، استفاده نمیکنیم و نخواهیم کرد؛ ما نظیفتر و شریفتر و نجیبانه‌تر حرکت میکنیم؛ اما معتقدیم میشود به آن مرحله‌ی اول رسید، اگر سرعت را بیشتر و منضبطتر بکنیم. لذا این احتیاج دارد به جهاد. هم باید شتاب باشد، هم باید تدبیر باشد تا بتوانیم به این رتبه‌ی اول برسیم. این رتبه‌ی اول بودن هم فقط یک هوس نیست که بگوئیم اول بشویم؛ نه، این به خاطر این است که سرنوشت ملتها امروز به این وابسته است. اگر یک کشوری نتواند از لحاظ اقتصادی، از لحاظ علمی، از لحاظ زیرساختهای پیشرفت، خودش را تامین کند و رشد پیدا کند، بیرحمانه مورد تجاوز قرار خواهد گرفت. ما نمیخواهیم مورد تجاوز قرار بگیریم. دویست سال کشور ما مورد تعرض و تجاوز قرار گرفته. ضعف دستگاه‌های سلطنتی بی‌عرضه‌ی نالایق فاسد دنیاطلب، و نشاطی که در طرف مقابل وجود داشت، باعث این تجاوز شد. از سال ۱۸۰۰ انگلیسها اول‌بار در دستگاه سیاسی کشور ما وارد شدند و دخالت کردند و نفوذ کردند و پارگیری کردند و همراه آنها یا قریب به آنها، بعضی از کشورهای دیگر اروپایی هم در این مدت همین کار را کردند. سال ۱۸۰۰ که اولین سفیر انگلیس وارد کشور شد - که از هند هم آمد؛ یعنی آن وقتی بود که حکومت هند در اختیار انگلیسها بود و نایب‌السلطنه در آنجا بود - از همان بوشهر که از کشتی پیاده شد، شروع کرد به رشوه دادن و خریدن افراد، و راحت توانست افراد را خریداری کند. این همه شاهزاده و امیر و اسمهای دهن‌پرکن، همه در مقابل هدایای این آقا خاضع و تسلیم شدند؛ روند تجاوز دشمنان در این کشور، از آن زمان شروع شد. این خک نرم و خاکریز بی‌بنیاد ملی آن روز اجازه داد دشمن نفوذ کند، و نفوذ کردند. ما نمیخواهیم دیگر این ادامه پیدا کند. انقلاب یک سد پولادینی در مقابل اینها درست کرده. ما

میخواهیم این سد را مستحکم‌تر کنیم.

به هیچ قیمتی اجازه ندهیم اینها در اقتصاد ما، در فرهنگ ما، در سیاست ما، در سرنوشت و مقدرات ما دخالت کنند؛ این احتیاج دارد به این که استحکام درونی و داخلی پیدا کنیم. این استحکام درونی، یکی از پایه‌های مهمش «اقتصاد» است. بنابراین اینکه می‌گوئیم اول بشویم، به خاطر این است؛ نه به خاطر اینکه حالا یک هوس است که ایران در منطقه اول بشود؛ نه، سرنوشت ملت به این وابسته است. بنابراین تلاش مستمر، هوشمندانه، مخلصانه و اثرگذار، که طبعاً همه‌ی ظرفیت کشور هم باید در آن به کار گرفته شود، در این زمینه موثر است. ظرفیت کشور، خیلی حقیقت درخشان و مهمی است. ظرفیتهای کشور، فوق‌العاده است. ظرفیت منابع انسانی ما جزو ظرفیتهای ممتاز در سطح جهان است؛ این ظرفیت را باید بالفعل کرد و باید به کار گرفت؛ ما داریم این را مشاهده می‌کنیم.

بیانات در دانشگاه افسری امام علی (علیه‌السلام) / ۱۳۹۰/۰۸/۱۹

خود را برای تداوم این عزت ملی و اقتدار بین‌المللی آماده نگه دارید. همه باید آماده باشیم. همه باید برای حفظ ارزشهای والای ماندگار در طول تاریخ، خود را آماده نگه دارند؛ در عرصه‌ی علم، در عرصه‌ی کار، در عرصه‌ی صنعت، در عرصه‌ی مدیریت و سیاست، و در نوک پیکان، برای دفاع ملی، نیروهای مسلح؛ عرصه‌ی رزم نظامی.

ما مطمئنیم که ساخت مستحکم نظام جمهوری اسلامی و اتحاد ملی و نزدیکی دلها میان آحاد ملت، بزرگترین بازدارنده است. همه موظفند این ساخت استوار و مستحکم را حفظ کنند و استحکام بیشتری به آن ببخشند.

دیدار فرماندهان نیروی دریایی ارتش با فرمانده کل قوا / ۱۳۹۰/۰۹/۰۷

فرمانده کل قوا در این دیدار دو توصیه مهم هم به نیروی دریایی ارتش و سپاه داشتند: ۱- در انجام ماموریت‌ها، جدیت و اهتمام مضاعف داشته باشید ۲- ساخت درونی خود را از لحاظ افزایش مهارت‌های گوناگون، توانایی علمی، عزم و اراده جدی و تدبیر مستحکم کنید.

بیانات در دیدار سفرا و روسای نمایندگی‌های سیاسی ایران در خارج از کشور / ۱۳۹۰/۱۰/۰۷

من به شما عزیزان توصیه می‌کنم که با صحیفه‌ی سجادیه انس بگیرید، دعای پنجم صحیفه‌ی سجادیه را مکرر در مکرر بخوانید. این دعای پنجم صحیفه‌ی سجادیه مال ماست. همه‌ی ادعیه‌ی صحیفه‌ی سجادیه همین طور است. آنجائی که ما را به یاد مرگ می‌اندازد، آنجائی که ما را از لغزشها برحذر میدارد، آنجائی که عظمت معنویت دستگاه الهی را، از پیغمبر و یاران و ملائکه‌ی الهی را به رخ ما میکشد، اینها همه‌اش برای ما استحکامبخش است. در هر میدانی، استحکام درونی برای ما تعیین کننده است. اگر ساخت درونی - چه درون شخصی خود ما، درون روحی و فکری خود ما، چه درون کلیت جامعه‌ی ما - ساخت مستحکمی بود، هیچ چیز نمیتواند در مقابلش بایستد. این، مهمترین و اولین توصیه‌ی من به شماست.

خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی / ۱۳۹۰/۱۱/۱۴

یکی دیگر از نقاط قوت ما، بنیه‌ی قوی و ساخت محکم کشور و نظام در مواجهه با دشمنی‌هاست. ما در مقابل دشمنی‌ها مضطرب نمیشویم، نگران نمیشویم، دغدغه پیدا نمی‌کنیم. بنیه‌ی نظام و بنیه‌ی کشور، بنیه‌ی مستحکمی است.

بیانات در دیدار مردم آذربایجان / ۱۳۹۰/۱۱/۲۶

به لطف خداوند و به برکت این ایستادگی و استحکام درونی ملت ایران، جوانان، با همت‌ها و استقامت خود کشور را همانند دسته گل خواهند ساخت و آن را تبدیل به یک الگوی موفق و پیشرفته برای جهان اسلام خواهند کرد.

بیانات در دیدار مردم آذربایجان / ۱۳۹۰/۱۱/۲۶

آنچه را که امروز ملت ایران داعیه دارد، عبارت است از مبارزه با ظلم جهانی، مبارزه با استکبار جهانی؛ البته این خود ملت برکات دارد. وقتی که یک ملت می‌ایستد، از شبکه‌ی پرهیمه‌ی پرهیاهوی دشمن واهمه نمی‌کند، علمش هم پیش می‌رود، اقتصادش هم پیش می‌رود، مسائل اجتماعی‌اش هم پیش می‌رود، جوانش هم آگاه می‌شود؛ بر روی ملتهای دیگر هم اثر می‌گذارد؛ فکرش، دینش، شعارش، دنیا را فرا می‌گیرد. شعارهایی که ما یک روز مظلومانه در اینجا سر میدادیم، ملت ایران تنها بود، امروز شعارهای تقریباً همه‌جائی در دنیا اسلام شده. یک ملت میتواند اثرگذار باشد و میتواند خودش را مستحکم کند. این استحکام ادامه پیدا خواهد کرد. ما ان‌شاءالله در علم پیشرفت می‌کنیم، در اقتصاد پیشرفت می‌کنیم، در سازندگی پیشرفت می‌کنیم. این ملت، این جوانان، این همتها، این استقامتها، کشور را مثل دسته گل خواهد ساخت و ان‌شاءالله الگوئی خواهد شد برای دنیا اسلام.

بیانات در دیدار جمعی از معلمان سراسر کشور / ۱۳۹۱/۰۲/۱۲

اگر معلم خوب عمل کند، صحیح عمل کند، با تدبیر عمل کند، با دلسوزی عمل کند، به نظر ما همه‌ی مشکلات جامعه حل می‌شود. نه اینکه بخواهیم بگوئیم عوامل موثر در تربیت جوانان ما، بیرون از محیط مدرسه وجود ندارد؛ چرا، خانواده‌ها موثرند، رسانه‌ها موثرند، فضای اجتماعی موثر است - در اینها تردیدی نیست - اما آن سازنده‌ی اصلی، آن دست ماهر اصلی که میتواند یک ساخت مستحکمی درست کند که این عوامل گوناگون نتوانند تاثیر بنیانی‌ای روی این محصول بگذارند، دست معلم است. این، ارزش معلم است.

بیانات در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی(ره) / ۱۳۹۱/۰۲/۱۲

این روزها مصادف است با عید مبارک ولادت امیر مومنان (سلام الله علیه) که پدر امت بود. مردم ما روز سیزدهم رجب را «روز پدر» نامیده‌اند. امام بزرگوار ما در حق این ملت و در حق این کشور پدری کرد. پدر امت، یعنی مظهر مهربانی و رحمت و مظهر اقتدار و صلاحیت و شخصیت؛ استحکام شخصیت پدران، در کنار محبت و مهربانی پدران، علاوه بر اینها، امام پدر جنبش اسلامی امروز در دنیا اسلام است. یکی از خطوط اصلی در سیره‌ی امام و منش امام که امروز به آن می‌پردازیم و درباره‌ی آن قدری بحث می‌کنیم، دمیدن روح عزت ملی در کالبد کشور است. بحث درباره‌ی این حرکت عظیم امام که عزت ملی را در کشور ما و ملت ما زنده کرد، یک بحث متکی به واقعیات جامعه است؛ یک بحث صرفاً ذهنی نیست. عزت یعنی چه؟ عزت به معنای ساخت مستحکم درونی یک فرد یا یک جامعه است که او را در مقابله با دشمن، در مقابله با موانع، دارای اقتدار میکند و بر چالشها غلبه میبخشد.

در ابتدا یک بحث قرآنی کوتاهی را عرض کنم. در منطق قرآن، عزت واقعی و کامل متعلق به خداوند و متعلق به هر کسی است که در جبهه‌ی خدائی قرار می‌گیرد. در مصاف بین حق و باطل، بین جبهه‌ی خدا و جبهه‌ی شیطان، عزت متعلق به کسانی است که در جبهه‌ی خدائی قرار می‌گیرند. این، منطق قرآن است. در سوره‌ی فاطر میفرماید: «من کان یرید العزه قلله العزه جمیعاً». در سوره‌ی منافقون میفرماید: «و الله العزه و لرسوله و للمؤمنین و لیکن المنافقین لایعلمون»؛ عزت متعلق به خداست، عزت متعلق به پیامبر و به مومنین است؛ اگرچه منافقان و کافران این را درک نمی‌کنند؛ نمی‌فهمند که عزت کجاست، مرکز عزت واقعی کجاست. در سوره‌ی نسا، درباره‌ی کسانی که خود را متصل به مراکز قدرتهای شیطانی می‌کنند، برای اینکه حیثیتی به دست بیاورند، قدرتی به دست بیاورند، میفرماید: «ا

بیتغون عندهم العزه فان العزه لله جميعا؛ آیا دنبال عزتند این کسانی که به رقیبای خدا، به دشمنان خدا، به قدرتهای مادی پناه میبرند؟ عزت در نزد خداست. در سوره مبارکه‌ی شعرا، گزارشی از مجموعه‌ی چالشهای پیامبران بزرگ را مطرح میفرماید - درباره‌ی حضرت نوح، حضرت ابراهیم، حضرت هود، حضرت صالح، حضرت شعیب، حضرت موسی - مفصل درباره‌ی چالشهای این پیامبران بزرگ بحث میکند و گزارش الهی و وحی را به گوش مردم میرساند. در هر مقطعی که میخواهد غلبه‌ی جبهه‌ی نبوت را بر جبهه‌ی کفر بیان بفرماید، میفرماید: «ان فی ذلك لایه و ما کان اکثرهم مومنین. و ان ربك لهُو العزيز الرحيم»؛ یعنی با اینکه طرف مقابل اکثریت داشتند، قدرت دست آنها بود، پول دست آنها بود، سلاح دست آنها بود، اما جبهه‌ی توحید بر آنها پیروز شد؛ در این یک آیتی است از آیات الهی، و خدای تو عزیز و رحیم است. بعد از آنکه قرآن این گزارش را در طول سوره‌ی مبارکه‌ی شعرا هی تکرار میکند، تکرار میکند، در آخر سوره خطاب به پیغمبر میفرماید: «و توکل علی العزیز الرحیم»؛ به این خدای عزیز و رحیم که تضمین کننده‌ی غلبه‌ی حق بر باطل است، توکل و تکیه کن. «الذی یریک حین تقوم و تقلبک فی الساجدین»؛ او ناظر به حال توست؛ در حال قیام، در حال سجده، در حال عبادت، در حال حرکت، در حال تلاش؛ او حاضر و ناظر است، تو را می‌بیند؛ «انه هو السميع العليم». پس در منطق قرآن، عزت را باید از خداوند طلب کرد.

وقتی که عزت شامل حال یک انسان، یک فرد یا یک جامعه میشود، مثل یک حصار عمل میکند، مثل یک باروی مستحکم عمل میکند؛ نفوذ در او، محاصره‌ی او، نابود کردن او برای دشمنان دشوار میشود؛ انسان را از نفوذ و غلبه‌ی دشمن محفوظ نگه میدارد. آن وقت هرچه این عزت را در لایه‌های عمیق‌تر وجود فرد و جامعه مشاهده کنیم، تأثیرات این نفوذناپذیری بیشتر میشود؛ کار به جایی میرسد که همچنان که انسان از نفوذ و غلبه‌ی دشمن سیاسی و دشمن اقتصادی محفوظ میماند، از غلبه و نفوذ دشمن بزرگ و اصلی، یعنی شیطان هم محفوظ باقی میماند. آن کسانی که عزت ظاهری دارند، این عزت در دل آنها، در درون آنها، در لایه‌های عمیق وجود آنها نیست؛ لذا در مقابل شیطان بی‌دفاعند، نفوذپذیرند.

معروف است که میگویند اسکندر مقدونی در یک راهی میگذشت، مردم به او کرنش میکردند. یک مرد پارسی مومنی در یک گوشه‌ای نشسته بود، کرنش نکرد، احترام نکرد، بلند نشد. اسکندر تعجب کرد، گفت: او را بیاورید. او را آوردند. گفت: تو چرا در مقابل من کرنش نکردی؟ گفت: زیرا تو غلام غلامان منی؛ چرا در مقابل تو کرنش کنم؟ گفت: چطور؟ گفت: زیرا تو غلام شهوت و غضب خود هستی، و شهوت و غضب غلامان منند، در اختیار منند، من بر آنها غالبم. بنابراین اگر عزت نفس در درون لایه‌های عمیق وجود انسان نفوذ کرد، آن وقت شیطان بر انسان اثر نمیگذارد؛ هوی‌های نفس در انسان اثر نمیگذارد؛ شهوت و غضب، انسان را بازیچه‌ی خود قرار نمیدهد.

ما امام را اینجور شناختیم. امام در طول حیات، چه در حوزه‌ی علم و تدریس، چه در دوران مبارزه‌ی دشوار، و چه در حوزه‌ی مدیریت و حاکمیت - آن وقتی که در راس کشور قرار گرفت و مدیریت جامعه را در قبضه گرفت - در همه‌ی اینها مصداق «و توکل علی العزیز الرحیم» بود. برای همین بود که کارهای بزرگی که همه میگفتند نشدنی است، با طلوع امام، این کارها شدنی شد؛ همه‌ی سدهائی که گفته میشد شکستنی نیست، با حضور امام، این سدها شکستنی شد. او علاوه بر اینکه خود، مظهر عزت نفس و اقتدار معنوی بود، روح عزت را در ملت هم زنده کرد. این، کار بزرگ امام بزرگوار بود؛ که من دوباره برمیگردم، درباره‌ی این نکته توضیح خواهم داد. ملت ما با احساس عزتی که از درسهای انقلاب و امام آموخت، توانست خود را کشف کند. ملت، خود را کشف کرد، توانائی‌های خود را کشف کرد؛ و چنین شد که ما در این چند دهه، بسیاری از تحقق وعده‌های الهی را با چشم خود دیدیم؛ چیزهایی را که در تاریخ میخواندیم، در کتابها میدیدم، در مقابل چشم خودمان مشاهده کردیم؛ غلبه‌ی مستضعفین را بر مستکبرین، بی‌بنیادی قصرهای بظاهر باشکوه مستکبران و بسیاری از حوادث دیگر را در این سالها دیدیم. من میخواهم بر روی این مسئله «عزت ملی» تکیه کنم تا به یک نقطه‌ی مورد نظر برسم. امروز روز بزرگی است؛ سالگرد رحلت بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران است. امروز یاد امام بزرگوارمان از همیشه زنده‌تر است. میراث بابرکت او امروز در این کشور و در دنیا اسلام در مقابل چشم همگان است. روی برخی از ابعاد وجودی این حرکت تکیه کنیم.

عزت ملی. ما ایرانی‌ها در طول تاریخ طولانی خودمان دورانهائی متفاوتی را گذرانده‌ایم؛ عزت هم داشتیم، ذلت هم داشتیم؛ اما در این دوران طولانی دویست ساله‌ی منتهی به انقلاب، ما یک دوران سخت تاریک ذلت را گذرانیم. خیلی‌ها از تاریخ بی‌خبرند، و خیلی‌ها تاریخ را سرسری نگاه میکنند. باید در تاریخ تعمق کرد، از تاریخ درس گرفت. ما در این دویست سال، یک دوران تاریک ذلت را از سر گذرانیم. نشانه‌های این ذلت، زیاد است. ما در تمام این دوران، در حوزه‌ی سیاست، یک ملت منزوی بودیم؛ در فعل و انفعالات منطقه‌ی خودمان - چه برسد به فعل و انفعالات جهان - هیچ تأثیری نداشتیم. در این دوران دویست ساله، استعمار به وجود آمد. دولت‌های مستعمر از اقصی نقاط عالم به منطقه‌ی ما آمدند؛ کشورهایی را گرفتند، ملت‌هایی را اسیر کردند، منابع ثروت ملتها را غارت کردند. در این دویست سال، دولت ایران و ملت ایران، بی‌خبر و غافل، به حوادث نگاه میکردند؛ حتی شاید از حوادث مطلع هم نمیشدند، چه برسد به اینکه بخواهند در آن حوادث دخالت کنند و تأثیر بگذارند. در حوزه‌ی اقتصاد، وضع ما روزبه‌روز به طرف انحطاط بیشتر حرکت میکرد. در حوزه‌ی علم و فناوری، بکلی عقب‌مانده بودیم؛ هیچ دستاورد علمی‌ای که قابل توجه و قابل عرضه باشد، در مقابله‌ی با حرکت عظیم علمی در دنیا نداشتیم. در سیاست داخلی خودمان، دستخوش سیاست‌های بیگانگان بودیم. استعمارگرها، قدرتهای مسلط دنیا، بر روی حکومت‌های ما اثر میگذاشتند؛ آنها را به این طرف و آن طرف میکشاندند، به آنها تحمیل میکردند، از آنها کار میکشیدند؛ و دولت‌های ما، پادشاهان ما، قدرتهای مسلط ما، هیچ عکس‌العمل شایسته‌ی انسانی افتخارآمیزی از خودشان نشان نمیدادند. حتی در زمینه‌ی حفظ تمامیت ارضی کشور، حفظ حاکمیت دولت‌ها، ضعف خجالت‌آوری را در این دوران دویست ساله مشاهده و تجربه کردیم. در همین دوران دویست ساله است که معاهده‌ی ذلت‌بار ترکمانچای و قبل از آن، معاهده‌ی گلستان اتفاق افتاد؛ هفده شهر قفقاز را از ایران جدا کردند. در همین دوران دویست ساله بود که آمدند بوشهر ما را اشغال کردند، بدون کمترین مقاومتی از سوی دولت و دولتی‌ها. در همین دوران بود که یک دولت بیگانه آمد در قزوین اردوک نظامی زد و دولت مرکزی تهران را تهدید کرد که باید فلان کار را بکنید، فلان اقدام را بکنید، فلان کس را بیرون کنید، والا به تهران حمله میکنند. یعنی تا قزوین جلو آمدند، تهران را تهدید کردند، دولت مرکزی در تهران به خود میلرزیدند. اگر شخصیت‌های نادری در این میان نبودند، قطعاً تسلیم اولتیماتوم آن دولت بیگانه میشدند. در همین دوران بود که دولت انگلیس آمد حکومت پهلوی‌ها را در ایران به وجود آورد؛ رضاخان را انتخاب کردند، از یک مرکز فرودستی او را بالا کشیدند، به سلطنت کشور رساندند و سلطنت او را در کشور به صورت یک قانون درآوردند و همه‌ی امور را به دست او دادند و او هم در مشیت خودشان و در اختیار خودشان بود. در همین دوران بود که قرارداد ننگین ۱۲۹۹ - ۱۹۱۹ میلادی - اتفاق افتاد؛ که بر طبق این قرارداد، اقتصاد کشور به دست بیگانه می‌افتاد و سیاست کشور و اقتصاد کشور یکباره در اختیار دشمنان ایران قرار میگرفت. در همین دوران بود که رئیس سه کشور - که متحدین جنگ بودند - به تهران آمدند و بدون اینکه از دولت اجازه بگیرند، بدون اینکه به دولت مرکزی کمترین اعتنائی بکنند، در اینجا جلسه تشکیل دادند. روزولت، چرچیل و استالین به میل خودشان به تهران آمدند و جلسه تشکیل دادند؛ نه از کسی اجازه گرفتند، نه گذرانمای نشان دادند. محمدرضا که آن روز پادشاه ایران بود، مورد اعتنائی اینها قرار نگرفت؛ آنها به دیدن او نرفتند، او به دیدن آنها رفت؛ وارد اتاق شد، برایش بلند نشدند، اعتنا نکردند! ببینید ذلت یک دولت مرکزی که سرریز میشود بر روی مردم، تا کجاها منتهی میشود؟ این، حقیقت ذلت یک حکومت و یک ملت است. این، مال دوران دویست ساله‌ی ماست.

البته در این میان، استثناهایی وجود داشت؛ مثلاً یک امیرکبیری سه سال بر سر کار آمد. یا فتوای میرزای بزرگ شیرازی توانست قضیه‌ی تنباکو را فیصله بدهد. یا علما در قضیه‌ی مشروطیت دخالت کردند. یا نهضت ملی شدن نفت در یک دوره‌ای به راه افتاد. همه‌ی اینها کارهای کوتاه‌مدت، موقت و بعضاً بکلی ناکام بود؛ اما روال کلی، حرکت کلی، حرکت ذلت بود که بر این ملت بزرگ، بر این ملت تاریخ‌ساز، بر این ملت دارای موارث عظیم تاریخی تحمیل شده بود. انقلاب کبیر اسلامی بکلی جهت را عوض کرد و ورق را برگرداند. همت امام - که رهبر این انقلاب و زمامدار این انقلاب و پیشوای این انقلاب بود - بر این گماشته شد که روح عزت ملی را در این مردم احیا کند؛ عزت آنها را به آنها برگرداند. امام بزرگوار فرهنگ «ما میتوانیم» را به دهان مردم انداخت و در دل آنها جایگزین کرد؛ این همان فرهنگ قرآنی است که فرمود: «و لا تنهوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مومنین». خود ایمان به معنای علو است. ایمان وسیله‌ی علو مادی است، اما فقط این نیست؛ نفس ایمان علوآور است، عزت‌آور است، یک ملت را رشد میدهد. خود امام جلو افتاد، رهبری کرد، آن وقت انگیزه‌ها در مردم بیدار شد، همتها در مردم بیدار شد، استعدادها جوشیدن گرفت؛ و عمل مردم، حضور مردم در صحنه، زمینه‌ی جلب رحمت الهی شد. این، نکته‌ی بسیار عظیمی است. رحمت الهی گسترده

است؛ اما تا انسان طرف خود را آماده نکند، این باران رحمت گیر او نمی‌آید. ملت ما به صحنه آمد، خود را در وسط میدان قرار داد، این شد زمینه رحمت الهی و هدایت الهی؛ هدایت الهی شامل حال او شد، رحمت الهی شامل حال او شد، حرکت بی‌وقفه آغاز شد؛ حرکت به سمت عزت، حرکت رو به جلو، حرکت عزت‌آفرین؛ البته گاهی کند، گاهی تند، اما بدون وقفه و تعطیل.

وقتی ادبیات انقلابی امام را ملاحظه میکنید، می‌بینید تکیه اصلی بر روی ساخت درونی ملت است؛ احیای روح عزت، نه با تفاخر، نه با غرور، نه با به‌خودبستن، بلکه با استحکام ساخت درونی. آنچه که ما باید به آن توجه کنیم، این است که این يك کار مقطعی نیست؛ این يك کار مستمر است، يك کار ادامه‌دار است. ملت باید با عوامل رکود و ایستائی مقابله کند. عواملی وجود دارد که يك انسان پیشرو را، يك ملت پیشرو را متوقف میکند. بعضی از این عوامل در درون خود ماست؛ بعضی از این عوامل، تمهیدات دشمن است. اگر بخواهیم دچار رکود نشویم، دچار ذلت نشویم، دچار عقبگرد نشویم، دچار همان وضعیت دوزخی قبل از انقلاب نشویم، باید حرکتمان متوقف نشود. اینجاست که با يك مفهومی به نام «پیشرفت» روبه‌رو میشویم. باید دائم پیشرفت کنیم. این عزت ملی، این استحکام درونی، این ساخت مستحکم، بایستی دائم در حال جلو رفتن باشد و ما را به پیشرفت برساند. این دهه به «دهه پیشرفت و عدالت» نامگذاری شده است. عدالت هم در دل پیشرفت است. پیشرفت، فقط پیشرفت در مظاهر مادی نیست؛ در همه‌ی ابعاد وجودی انسان است؛ که درونش آزادی هم هست، عدالت هم هست، اعتدالی اخلاقی و معنوی هم هست؛ اینها همه در مفهوم پیشرفت هست. البته در آن، پیشرفت مادی، پیشرفت مظاهر زندگی، پیشرفت علمی هم وجود دارد. امام با آن حرکت خود، ما را در جاده‌ای قرار داد که باید در این جاده پیش برویم. هرگونه توقف در این جاده، ما را به عقبگرد میرساند. ملتیی که از حقیقت عزت برخوردار شده است و در جاده‌ی پیشرفت قرار گرفته است، اگر این نعمت را کفران کند، آن وقت مصداق این آیه‌ی شریفه میشود که: «ا لمر تر الی الذین بدلوا نعمت الله کفرا و احلوا قومهم دار البوار. جهنم يصلونها و بنس القرار»؛ دنیا دوباره دوزخ خواهد شد، زندگی دوباره تلخ خواهد شد. ملتها اگر ایستادگی نکنند و پیش نروند، دوباره همان سختی و سیاهی دوران ذلت بر سر آنها سایه‌افکن خواهد شد.

بیانات در حرم مطهر رضوی / ۱۳۹۲/۰۱/۰۱

وظیفه‌ی همه‌ی ما این است که سعی کنیم کشور را مستحکم، غیر قابل نفوذ، غیر قابل تأثیر از سوی دشمن، حفظ کنیم و نگه داریم؛ این یکی از اقتضائات «اقتصاد مقاومتی» است که ما مطرح کردیم. در اقتصاد مقاومتی، يك رکن اساسی و مهم، مقاوم بودن اقتصاد است. اقتصاد باید مقاوم باشد؛ باید بتواند در مقابل آنچه که ممکن است در معرض توطئه‌ی دشمن قرار بگیرد، مقاومت کند. این مطلب اولی که لازم بود عرض کنم.

بیانات در دیدار کارگران و فعالان بخش تولید کشور / ۱۳۹۲/۰۲/۰۷

روزمره فکر کردن در مسائل اقتصادی، مضر است؛ تغییر سیاستهای اقتصادی به طور دائم، مضر است - در همه‌ی بخشها، بخصوص در اقتصاد - تکیه کردن بر نظرات غیر کارشناسی، مضر است؛ اعتماد کردن به شیوه‌های تزریقی اقتصادهای تحمیلی شرق و غرب، مضر است. سیاستهای اقتصاد باید سیاستهای «اقتصاد مقاومتی» باشد - يك اقتصاد مقاوم - باید اقتصادی باشد که در ساخت درونی خود مقاوم باشد، بتواند ایستادگی کند؛ با تغییرات گوناگون در این گوشه‌ی دنیا، آن گوشه‌ی دنیا متلاطم نشود؛ این چیزها لازم است. رئیس جمهوری که میخواهد این کشور بزرگ را اداره کند، این راه پرافتخار را به کمک مردم و برای مردم طی کند، باید اینچنین خصوصیات داشته باشد. رابعا باید تهذیب اخلاقی داشته باشد؛ نپرداختن به حواشی. اینها چیزهای لازمی است. بنده توصیه‌ام به همه‌ی دولتها همیشه همین بوده است. میدانید من از دولتها و از روسای جمهور در طول این سالهای متممادی همواره حمایت کردم؛ توصیه هم کردم، در موارد متعدد و زیادی از آنها توضیح هم خواستم. تکیه این بوده است که برای مردم هزینه درست نکنند، مشکل درست نکنند، دغدغه‌آفرینی نکنند، مردم را دچار تشویش و نگرانی نکنند؛ البته وعده‌ی بیخود و بی‌مبنا هم ندهند، در باغ سبزه‌های بی‌منطق هم باز نکنند؛ منطقی، معقول، منطبق با واقعیت و با توکل به خدای متعال حرکت را پیش ببرند؛ ان‌شاءالله در آینده هم باید همین جور باشد.

بیانات در دیدار مسئولان نظام / ۱۳۹۲/۰۲/۳۰

در پیشرفت به سمت هدفهای آرمانی، باید ساخت درونی قدرت را استحکام بخشید؛ اساس کار این است. ما اگر میخواهیم این راه را ادامه دهیم و به این سمت حرکت کنیم و این هدفها را دنبال کنیم و چشم به این آرمانها بدوزیم و پیش برویم و در مقابل این معارضه‌ها ایستادگی کنیم و صبر و توکل را به کار بگیریم، باید ساخت قدرت ملی را در درون کشور تقویت کنیم و استحکام ببخشیم. عناصر این استحکام، برخی عناصر همیشگی است، برخی هم عناصر فصلی است. آنچه که جزو عناصر همیشگی است، عزم راسخ است؛ که عرض کردیم. مسئولان کشور باید تصمیمشان را در مواجهه‌ی با مشکلات حفظ کنند، عزم راسخ خودشان را محفوظ بدارند، دچار تزلزل نشوند. به سمت آرمانها حرکت کردن، این عزم راسخ را نیاز دارد. اینجور نباشد که با مشاهده‌ی اخم دشمن، ترسروئی دشمن، حرکت معارضه‌ی دشمن با شکلکهای مختلفش - تبلیغاتی‌اش، سیاسی‌اش، اقتصادی‌اش و امثال اینها - متزلزل شوند. هم عزم راسخ مسئولین لازم است، هم عزم راسخ مردم لازم است. البته این دومی - عزم راسخ مردم - الزاماتی هم دارد، که حالا معلوم است. ما اگر بخواهیم عزم راسخ مردم را حفظ کنیم، يك سلسله وظائفی را باید انجام دهیم.

اما آنچه که فصلی است - آنچه که در حال حاضر برای کشور اولویت دارد - به نظر من مسئله‌ی اقتصاد و مسئله‌ی علم است. مسئولان کلان کشور، سیاستگذاران کشور، کسانی که اداره‌ی امور اساسی را در کشور به عهده دارند، به این دو نقطه‌ی اصلی برای پیشرفت باید توجه کنند. روی مسئله‌ی اقتصاد کشور باید تکیه شود، روی مسئله‌ی پیشرفت علمی کشور هم باید تکیه شود. توجه به اقتصاد خوشبختانه نسبتا عمومی است؛ همه توجه دارند. حماسه‌ی اقتصادی هم جزو شعار امسال بوده. امیدواریم همچنان که حماسه‌ی سیاسی انجام گرفت، حماسه‌ی اقتصادی هم با همت مسئولین انجام بگیرد. البته کار اقتصادی، کار کوتاه‌مدتی نیست؛ کار يك ماه و دو ماه و يك سال نیست؛ لیکن باید حرکت آغاز شود. روی مسئله‌ی علم هم من تکیه میکنم. در این ده سال گذشته، حرکت علمی ما خیلی خوب بوده؛ پیشرفت علمی و سرعت پیشرفت، بسیار خوب بوده است؛ اما این سرعت پیشرفت باید کند نشود. اگر ما بخواهیم به آن سطح مطلوب برسیم، اگر بخواهیم به خطوط مقدم دانش جهانی برسیم، باید این سرعت پیشرفت را همچنان حفظ کنیم.

بیانات در دیدار شاعران / ۱۳۹۲/۰۵/۰۱

در مسائل مربوط به جامعه و زمان خودمان هم شاعر دارای مسئولیت است. امروز يك حرکت عظیم تاریخی از درون جامعه‌ی ما به وجود آمده و الهامبخش مجموعه‌های بزرگ بشری شده؛ این يك واقعیت است. مواجهه‌ی انقلاب اسلامی با نظام سلطه‌ی بین‌المللی، ایستادگی در مقابل زورگویی‌ها، از سوی يك ملتیی که دو بیست سال یا بیشتر زیر بار زورگویی‌های دیگران بوده، و برافراشتن پرچم آزادی و آزادگی در این کشور، چیز خیلی مهمی است؛ این باید در شعر شاعران ما ظهور پیدا کند. همچنین آنچه که در پی این آزادی آمد. من بارها در همین جلسه و جلسات دیگر گفته‌ام که مسئله‌ی جهاد نظامی هشت‌ساله‌ی ما چیز کمی نبود، چیز مهمی بود؛ که به نظر من در شعر ما خیلی باید مورد توجه قرار بگیرد. همچنین جهاد بناک جامعه‌ی اسلامی، جهاد استحکام بخشیدن به ساخت قدرت ملی که ما مکرر رویش تکیه کردیم، جهاد اصلاح سبک زندگی - که عرض کردیم متن تمدن اسلامی این است و آنچه که در غیر از سبک زندگی بحث میکنیم، همه شکلها و شیوه‌ها و اندازه‌گیری‌ها است - اینها هر کدام يك جهاد است؛ حضور در این جهاد از طریق شعر، باید مورد توجه قرار بگیرد. همچنین مسائل مربوط به تاریخ، مربوط به زمانه. امروز بیداری اسلامی يك مسئله‌ی مهم است، مسئله‌ی فلسطین يك مسئله‌ی مهم است؛ اینها باید در شعر ما سهم داشته باشند، ما در شعرمان باید به اینها بپردازیم. به‌رحال اینها چیزهایی است که اهمیت دارد.

بیانات در دیدار دانشجویان / ۱۳۹۳/۰۵/۰۶

یکی از موضوعاتی که باز می‌تواند مورد بحث و مطالعه قرار بگیرد، عمق راهبردی نظام در نگاه به مسائل منطقه است. در نگاه به مسائل منطقه، انسان متوجه یک موضوعی می‌شود و آن، عمق راهبردی جمهوری اسلامی در این مناطق است. یک جاهانی یک حادثی است که می‌تواند مثل ریشه و مایه استحکام یا ریسمانهای نگهدارنده‌ی خیمه، برای داخل کشور به حساب بیاید؛ اینها عمق راهبردی است. اینکه شما ملاحظه کردید امام در زمینه انقلاب‌های خارج از کشور و هسته‌های انقلابی، بیانات صریحی را در آن روزها بیان می‌کردند، برای تشکیل یک چنین عمقی بود؛ که تشکیل هم شد. امروز دستگاه استخبار با دستپاچگی دارد با این عمق استراتژیک مبارزه می‌کند؛ البته به جایی هم نرسیده و نخواهد رسید.

یک بحث مهم در همین قضیه، کاری است که دشمن دارد در زمینه اختلاف شیعه و سنی می‌کند؛ کوبیدن مجموعه‌های شیعه در نقاط مختلف دنیا اسلام. دشمن با این تصور که چون عناصر شیعه در واقع پایگاه‌های طبیعی برای جمهوری اسلامی محسوب می‌شوند، می‌خواهد این پایگاه‌ها را بکوبد؛ البته اشتباه می‌کند. پایگاه‌های جمهوری اسلامی منحصر به شیعه‌ها نیست. خیلی از برادران سنی در خیلی از کشورها آنچنان دفاع جانانه‌ای از جمهوری اسلامی می‌کنند که خیلی از شیعه‌ها نمی‌کنند. بعضی از این مخالفین ضدانقلابی که در خارج از کشور نشسته‌اند - به قول شماها، آن ور آب - و علیه جمهوری اسلامی مرتب حرف می‌زنند، اگر به آنها بگویند مذهب چیست، می‌گویند شیعه. خیلی از مسلمانانی که شیعه‌ی امامی هم نیستند - حالا یا شیعه‌ی زیدی‌اند، یا سنی‌اند - در دفاع از نظام اسلامی، از برادران شیعه کمتر نیستند. بنابراین در مورد عمق راهبردی، دشمنان ما فهم درستی ندارند و کاری که دارند می‌کنند، کار اشتباهی است. بنابراین یک صحنه‌ی مهم نشاطی که برای دانشگاه‌ها لازم است، همین صحنه‌ی مسائل سیاسی و اجتماعی و مسائل ناظر به واقعیت‌های زندگی است؛ که اینها را شما می‌توانید بحث کنید، پخته کنید، سنجیده کنید، اینها را بر مدیریت‌های کشور عرضه کنید و به عنوان فرآورده‌های علمی و فکری برای نظام اسلامی به جا بگذارید. خود شماها چند صباح دیگر در بخش‌های مختلف کشور جزو مدیرانید؛ از اینها باید استفاده کنید، و امروز هم باید استفاده شود.

یک عرصه‌ی دیگر، عرصه‌ی علم است؛ نشاط علمی. من به شما عرض بکنم؛ امروز یکی از نیازهای اساسی و درجه‌ی یک کشور، نیاز علمی است. اگر چنانچه ما توانستیم در عرصه‌ی علمی، پیشرفت‌هایی را که تا امروز بحمدالله به دست آمده است، با همین سرعت دنبال کنیم، هم در زمینه مشکلات اقتصادی، هم در زمینه مشکلات سیاسی، هم در زمینه مشکلات اجتماعی، هم در زمینه مسائل بین‌المللی، مطمئناً گره‌گشایی‌های بزرگی خواهد شد. علم مسئله‌ی بسیار مهمی است. در این حدود ده سال، یازده سال گذشته، در این زمینه خیلی کار شده؛ لیکن بعد از این هم باید کار شود؛ کار مضاعف شود. من عقیده‌ام این است که کار علمی در دانشگاه و در کشور باید جهادی باشد؛ کار علمی جهادی انجام بگیرد.

بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری اسلامی ایران / ۱۳۹۳/۰۵/۱۲

توصیه‌ی ما، هم به رئیس جمهور محترم، هم به هیئت دولتی که ان‌شاءالله به توفیق الهی در آینده‌ی نزدیکی از مجلس رای اعتماد خواهند گرفت، این است که کارها را با صبر و بدون شتابزدگی انجام دهند؛ گامها را محکم و مطمئن بردارند. در همه‌ی زمینه‌ها ظرفیت کار وجود دارد، اهداف بلند هم وجود دارد، نشانه‌ها و بشارت‌ها هم در کشور ما کم نیست. البته جبهه‌ی دشمنان برخوردارهای خصمانه‌ای دارند. رئیس جمهور محترم اشاره کردند به تحریمها و فشارهایی که دشمنان ملت ایران - که البته در راس آنها آمریکا است - بر کشور وارد می‌کنند. من می‌خواهم بگویم درست است که فشارهای دشمنان برای مردم مشکلاتی را به وجود می‌آورد، اما تجربه‌های بازرشی هم در اختیار مسئولان و در اختیار مردم می‌گذارد. درس بزرگی که ما از این فشارهای اقتصادی دریافت کردیم، این است که هرچه می‌توانیم، باید به استحکام ساخت داخلی قدرت بپردازیم؛ هرچه می‌توانیم، در درون، خودمان را مقتدر کنیم؛ دل به بیرون بندیم. آنهایی که دل به بیرون ظرفیت ملت ایران می‌بینند، وقتی با یک چنین مشکلاتی مواجه شوند، خلع سلاح خواهند شد. ظرفیت‌های ملت ایران خیلی زیاد است. ما باید بپردازیم به استحکام ساخت درونی اقتدار ملی؛ که آن روز به مسئولان کشور عرض کردیم: در درجه‌ی اول، مسائل اقتصادی و مسائل علمی است؛ که باید با جدیت دنبال شود.

مسائل سیاسی هم مسائل مهمی است. من تأیید می‌کنم نظری را که رئیس جمهور محترم ابراز کردند در زمینه‌ی برخورد حکمت‌آمیز با مسائل گوناگون بین‌المللی و مسائل سیاسی و مسائل ارتباطات بین‌المللی و اینها. حتماً باید برخورد حکمت‌آمیز و عاقلانه باشد. البته ما دشمنانی داریم که اینها زبان عقلانی هم خیلی سرشان نمیشود؛ لیکن آنچه که ما وظیفه داریم، این است که با استحکام، با توجه به اهداف والای جمهوری اسلامی، بدانیم چه کار داریم می‌کنیم؛ اهداف خودمان را بشناسیم، آن اهداف را هم در نظر داشته باشیم و آنها را با جدیت دنبال کنیم.

بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها / ۱۳۹۳/۰۵/۱۵

دوستان در زمینه‌ی جبهه‌بندی‌های سیاسی در دنیا نکات خوبی را بیان کردند؛ نکات قابل توجهی است و درست است، ما هم اعتقاد داریم؛ اما چیزی که باید در نظر باشد، این است که یک جبهه‌ی دشمن عنودی در مقابل نظام جمهوری اسلامی در میان قدرتهای دنیا وجود دارد. آیا این جبهه‌ی عنود و لجوج در دشمنی با جمهوری اسلامی، مشتمل بر اکثر کشورهای دنیا است؟ ابداً؛ آیا مشتمل بر اکثر کشورهای غربی است؟ ابداً؛ این مربوط به چند کشور قدرتمندی است که به خاطر دلالت خاصی با نظام جمهوری اسلامی و با اقتدار نظام جمهوری اسلامی مخالفند و کارشکنی می‌کنند؛ یکی از کارشکنی‌ها، همین کارشکنی در زمینه‌ی علمی است. بعضی از دوستان گفتند «دیپلماسی علمی»، «دیپلماسی دانشگاهی»؛ بنده هم اعتقاد به این دارم، تشویق هم کرده‌ام؛ اما توجه داشته باشید که طرف مقابل روی این نکته بخصوص توجه دارد، روی این نکته برنامه‌ریزی می‌کنند. بر روی همین نقطه‌ی «دیپلماسی علمی» برنامه‌ریزی می‌کنند و اهداف خودشان را دنبال می‌کنند. اگر با توجه، با آگاهی، با بصیرت، کار انجام بگیرد، ما کاملاً موافق هستیم. از پیشرفت علمی ما هم راضی نیستند. بخشی از این کارهایی که امروز در زمینه‌ی تحریم و امثال اینها مشاهده می‌کنید، مربوط به همین است که نمی‌خواهند جامعه‌ی ایرانی به این اقتدار درونزا دست پیدا کند؛ که اقتدار علمی، یک اقتدار درونزا است. بنابراین، این پیشرفت باید ادامه پیدا کند.

بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت / ۱۳۹۳/۰۶/۰۶

یک شاخص دیگر هم عرض بکنیم، این بخش را من دیگر ادامه ندهم بیشتر از این؛ تکیه به ظرفیت درون‌زای کشور است؛ نگاهمان به بیرون نباشد. این، توصیه‌ی ما است؛ این معنایش این نیست که از امکاناتی که در بیرون هست استفاده نکنیم؛ این دو حرف با هم اشتباه نشود. امیدمان را به بیرون از ظرفیت داخلی کشور ندوزیم. در بیرون از مجموعه‌ی کشور و نظام جمهوری اسلامی، جبهه‌ی بزرگی وجود دارد که با همه‌ی توان از سی و چند سال پیش به این طرف کوشیده نگذارد که این انقلاب ریشه‌دار بشود، نگذارد که این نظام جمهوری اسلامی پایدار بماند، نگذارد که پیشرفت کند، نگذارد که در زمینه‌های گوناگون الگو بشود. نمیشود از دشمن و روش‌های خصمانه‌ای که کرده، انتظار دوستی و محبت و صمیمیت داشت. نمی‌گوییم از اینها استفاده نکنید، اما می‌گوییم اطمینان نکنید، اعتماد نکنید، چشم به آنجا ندوزید، چشم به داخل بدوزید. در داخل کشور خیلی امکانات وجود دارد که اگر چنانچه نگاه ما - چه در زمینه‌های اقتصادی، چه در زمینه‌های فرهنگی، چه در زمینه‌های گوناگون دیگر - [به آنها باشد و] اگر بتوانیم از این نیروهای داخلی استفاده کنیم، کلید حل مشکلات اینجا است؛ یعنی در درون کشور و امکانات داخلی کشور است که از اینها میشود خردمندانه بهره‌برداری کرد. اینها باید شناسایی بشوند. و این است که رتبه‌ی ما را در دنیا بالا می‌برد. در مناسبات بین‌المللی سهم هر کشوری به قدر قدرت درونی او است؛ هر مقداری که واقعا در درون اقتدار داشته باشد، سهمش از مجموعه‌ی مناسبات بین‌المللی به همان نسبت بالاتر است؛ این را باید ما تأمین بکنیم و خوشبختانه در طول این سال‌های متمادیم بمرور تأمین شده، یعنی مدام بر اقتدار و قوام نظام جمهوری اسلامی در طول این سالها افزوده شده؛ لذا می‌بینید حیثیت و موقعیت جمهوری اسلامی هم بالا رفته که حالا شواهدش فراوان و الی‌ماشالله است. و این شش‌هفت تا شاخص بود که خواستیم عرض کنیم؛ البته عرض کردیم اینها مطالبی نیست که برای شماها تازه باشد، لکن تذکر و تکرار دانسته‌هایی است که آنها لازم است.

بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۹۳/۰۶/۱۲

آنچه که ما احساس میکنیم که برای رفع مشکلات باید انجام داد - مشکلات هم مال امروز نیست، مشکلات همیشه وجود داشته است، در همه کشورهای هم وجود دارد؛ یعنی اگر کسی تصور کند که حالا در فلان کشور پیشرفته، یا فلان کشور اروپایی، یا غربی، یا ثروتمند، یا پرجمعیت، یا کم‌جمعیت، مشکلاتی وجود ندارد، خطا است؛ مشکلات همه‌جا هست؛ طبیعت کار يك ملت این است که بالاخره در کار او مشکلاتی وجود دارد، مسئولینش باید آن مشکلات را برطرف بکنند و حرکتشان را ادامه بدهند؛ حالا بعضی میخواهند مشکلات را با کمک دیگران، با تکیه به دیگران، با رشوه دادن به دیگران، با تذلل در مقابل دیگران حل کنند؛ بعضی‌ها هم نه، میخواهند مشکلات را با نیروی خودشان، با توان داخلی خودشان حل کنند - اعتقادمان این است که باید به تقویت ساخت درونی نظام اهمیت بدهیم؛ این اساس کار است. از درون، خودمان را باید تقویت کنیم. تقویت درونی با اندیشه‌ی کامل، با نگاه عاقلانه و خردمندانه چیزی است ممکن؛ چه به‌وسیله‌ی پیشرفت علمی، چه به‌وسیله‌ی ساخت و مدیریت درست اقتصادی؛ اینها کارهایی است که به نظر ما ممکن است.

خب، امروز شما ملاحظه کنید، وقتی روی نفت ما فشار می‌آورند، ما دچار مشکل میشویم، این ناشی از چیست؟ ناشی از این است که ما تکیه‌مان را به نفت از بعد از دوره‌ی جنگ و پایان جنگ تا امروز، نتوانستیم کم کنیم، اگر ما تکیه‌مان را به نفت کم میکردیم، فشار بر روی نفت این‌قدر برای ما سخت تمام نمیشد. بنابراین به خودمان بایستی مراجعه کنیم، از خودمان بایستی بخواهیم که گره‌ها را با نیروی اراده حل کنیم.

دیدار انمه جمعه سراسر کشور با رهبر انقلاب / ۱۳۹۳/۰۶/۱۸

غربی‌ها از کشتار هیروشیما، از کشتار میلیون‌ها انسان در جنگ‌های جهانی اول و دوم، و از کشتار مردم بیگناه پاکستان، افغانستان و عراق، احساس ناراحتی نمی‌کنند و در آینده هم هر جا که منافعیشان اقتضا کند از کشتار انسانها ابائی نخواهند داشت، بنابراین باید اقتدار درونی خود را در عرصه‌های گوناگون سیاسی، حکومتی، معیشتی و مردمی افزایش دهیم.

بیانات در دیدار کارگزاران حج / ۱۳۹۳/۰۶/۲۰

جمهوری اسلامی با نگاه باز، با چشم باز، با حواس جمع، به همه‌ی این مسائل نگاه میکند؛ آنچه ما میفهمیم این است که ما بایستی به‌عنوان يك ملت، به‌عنوان يك جمعیت عظیم هفتاد هشتاد میلیونی واقع در يك منطقه‌ی حساس عالم، با نگاه درست، با استفاده‌ی از اقتدار اسلامی، جای پای خودمان را محکم کنیم؛ اهداف انسانی و والای خودمان را که از اسلام گرفته‌ایم، در معرض نگاه و دید همه‌ی بشریت بگذاریم و بشریت را دعوت کنیم به آن چیزی که اسلام به بشریت هدیه میدهد؛ این وظیفه‌ی ما است. مکرر عرض کرده‌ایم: ساخت اقتدار درونی ملت که در درجه‌ی اول با ایمان صحیح و راسخ و با اتحاد آحاد مردم و با عمل درست مسئولین کشور و با همراهی مسئولان و آحاد مردم و با توکل به خدای متعال انجام خواهد گرفت؛ یعنی به‌کار گرفتن عقل و معنویت و توکل و حرکت و عمل؛ بلاشک در اوضاع منطقه هم اثر میگذارد، کما اینکه تا حالا هم اثر گذاشته است. و امیدواریم که ان‌شاءالله این حضور معنوی در عرصه‌های مختلف و از جمله حضور شما در حج با این منطق قوی، با این نگاه روشن، بتواند آن چیزی را که اسلام برای نظام، برای مردم عالم، برای مسلمانان، برای غیرمسلمانان، برای انسانیت خواسته است، تامین کند و وسائل سعادت عمومی را فراهم بکند.

بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی / ۱۳۹۳/۰۶/۲۶

ما داریم با منطق پیش میرویم، با محاسبه‌ی علمی پیش میرویم؛ طرف مقابل ما دچار ضعفهای روزافزون و تناقضهای درونی است به‌خاطر غلط فاحش بودن ساخت درونی آن تمدن؛ آنها دارند عقب‌نشینی میکنند - البته لازم نیست به این عقب‌نشینی اعتراف کرده باشند یا به طور محسوس و واضحی در حرفهای آنها دیده بشود - واقع قضیه این است، حقیقت قضیه این است. وقتی يك ملتی با محاسبه‌ی درست، با پیدا کردن نقطه‌ی صحیح کار، کار را پیش میبرد، قطعاً به نتایج مطلوب خواهد رسید. ما گفته‌ایم «ساخت درونی نظام» باید استحکام پیدا کند؛ ما گفته‌ایم «علم» بایستی رشد پیدا کند؛ ما گفته‌ایم «تولید داخلی» بایستی اساس کار باشد؛ ما گفته‌ایم «نگاه خوشبینانه به استعداد بومی کشور» بایستی جدی باشد، استعدادها پرورش پیدا کند؛ اینها پایه‌های اصلی کار است. وقتی کشوری با تکیه به استعدادهای درونی، با تکیه به ابتکار نیروی انسانی خود، با تکیه به علم و دانش خود، با تکیه به ایمان خود و با اتحاد حرکت میکند، قطعاً به نتایج مطلوب خواهد رسید. بنابراین ما تردیدی نداریم که آینده‌ی روشنی داریم؛ البته اینکه این آینده زود باشد یا دیر باشد، دست من و شما است: اگر خوب حرکت کنیم، آینده زودتر خواهد رسید؛ اگر چنانچه تنبلی و کوتاهی و خودخواهی و دنیاپرستی و دل دادن به این ظواهر، چشم ما را يك قدری پر کند، ساقط کند ما را، در درون خودمان ریزش - چه ریزش شخصی در درون، چه ریزش اجتماعی - پیدا بکنیم، البته دیرتر به دست خواهد آمد؛ اما بدون تردید به دست خواهد آمد و این به برکت مجاهدتها و فداکاری‌ها است که بحمدالله در میدان فداکاری هم شماها فعال بودید، خوب بودید، حرکت درخشانی کردید، در آینده هم ان‌شاءالله همین‌جور خواهد بود.

□